



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



رسالت
علیهما الصلوة والسلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

فضائل سبعة

معنى و ترجمه

بیت المقدس

تالیف : شیخ صدوق

ترجمہ و تفسیر : الطیب راشدین، سعید راشدین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فضائل شیعه

نویسنده:

شیخ صدوق (ره)

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	فضائل شیعه
۸	مشخصات کتاب
۸	مقدمه ناشر
۹	حدیث شماره یکم
۱۰	حدیث شماره دوم
۱۰	حدیث شماره سوم
۱۱	حدیث شماره چهارم
۱۱	حدیث شماره پنجم
۱۱	حدیث شماره ششم
۱۱	حدیث شماره هفتم
۱۲	حدیث شماره هشتم
۱۳	حدیث شماره نهم
۱۴	حدیث شماره دهم
۱۴	حدیث شماره یازدهم
۱۴	حدیث شماره دوازدهم
۱۴	حدیث شماره سیزدهم
۱۵	حدیث شماره چهاردهم
۱۵	حدیث شماره پانزدهم
۱۵	حدیث شماره شانزدهم
۱۵	حدیث شماره هفدهم
۱۸	حدیث شماره هجدهم
۲۰	حدیث شماره نوزدهم

- ۲۱ حدیث شماره بیستم
- ۲۱ حدیث شماره بیست و یکم
- ۲۱ حدیث شماره بیست و دوم
- ۲۲ حدیث شماره بیست و سوم
- ۲۲ حدیث شماره بیست و چهارم
- ۲۳ حدیث شماره بیست و پنجم
- ۲۳ حدیث شماره بیست و ششم
- ۲۴ حدیث شماره بیست و هفتم
- ۲۴ حدیث شماره بیست و هشتم
- ۲۵ حدیث شماره بیست و نهم
- ۲۵ حدیث شماره سی ام
- ۲۵ حدیث شماره سی و یکم
- ۲۶ حدیث شماره سی و دوم
- ۲۶ حدیث شماره سی و سوم
- ۲۶ حدیث شماره سی و چهارم
- ۲۶ حدیث شماره سی و پنجم
- ۲۶ حدیث شماره سی و ششم
- ۲۷ حدیث شماره سی و هفتم
- ۲۸ حدیث شماره سی و هشتم
- ۲۸ حدیث شماره سی و نهم
- ۲۸ حدیث شماره چهلم
- ۲۹ حدیث شماره چهل و یکم
- ۲۹ حدیث شماره چهل و دوم
- ۲۹ حدیث شماره چهل و سوم

- ۲۹ حدیث شماره چهل و چهارم
- ۳۰ حدیث شماره چهل و پنجم
- ۳۰ پی نوشتها
- ۳۱ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فضائل شیعه

مشخصات کتاب

سرشناسه: ابن بابویه محمد بن علی ۳۱۱ ۳۸۱ق. عنوان قراردادی: فضائل الشیعه. فارسی - عربی عنوان و نام پدیدآور: متن کامل و ترجمه کتاب فضائل شیعه/ شیخ صدوق (ره)؛ ترجمه و تحقیق لطیف راشدی، سعید راشدی. مشخصات نشر: قم: مسجد مقدس جمکران ۱۳۸۸. مشخصات ظاهری: ۸۵ ص. شابک: ۷۰۰۰ ریال؛ ۸۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۹۷۳-۱۳۸-۴. وضعیت فهرست نویسی: فاپا(چاپ دوم) یادداشت: فارسی-عربی. یادداشت: چاپ اول: ۱۳۸۷. یادداشت: چاپ دوم. یادداشت: عنوان روی جلد: فضائل شیعه متن و ترجمه. عنوان روی جلد: فضائل شیعه متن و ترجمه. موضوع: احادیث اخلاقی - قرن ۴ ق. موضوع: احادیث شیعه - قرن ۴ ق موضوع: اخلاق اسلامی شناسه افزوده: راشدی لطیف ۱۳۳۲ -، مترجم شناسه افزوده: راشدی، سعید، ۱۳۶۰ -، مترجم شناسه افزوده: مسجد جمکران (قم) رده بندی کنگره: BP۲۴۸/الف ۲۶۱ ۶۰۴۱ ۱۳۸۸ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۲۱۲ شماره کتابشناسی ملی: ۱۳۱۲۳۷۲

مقدمه ناشر

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الواحد الأحد، الفرد الصمد، الذي لم يلد و لم يولد و لم يكن له كفواً أحد والصلاة على محمد عبده المجتبي و رسوله المصطفى، أرسله الى كافة الوري، بشيراً و نذيراً و داعياً الى الله باذنه و سراجاً منيراً و على أهل بيته أئمة الهدى و مصابيح الدجى، الذين أذهب الله عنهم الرجس و طهرهم تطهيراً و السلام على من اتبع الهدى. و بعد: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «العلماء ورثة الانبياء»: پیامبر اعظم صلى الله عليه وآله فرمود: «عالمان و دانشمندان [دین وارث پیامبران هستند]». «نهج الفصاحه» جناب شیخ جلیل القدر مرحوم صدوق قدس سره به حق، یکی از استوانه و پشتوانه‌های تعالیم اهل بیت علیهم السلام و از مفاخر، ذخایر و پاسداران مکتب انسان ساز تشیع می‌باشد. او با تلاش خستگی ناپذیر، تألیفات و تصنیفات گرانسنگ بی شماری از خود به میراث گذاشت؛ ایشان به عنوان شخصیتی بزرگ و سترگ مطرح است که مکتب پربار تشیع به وجود این عالم بزرگ و نظایر این بزرگوار به خود می‌بالد و باید میراث آنان را پاس داشت. از جمله آثار این بزرگ مرد علم و جهاد، چند رساله پُر محتوا به نام‌های «صفات شیعه»، «فضایل شیعه»، «آیین دوستی» و «اعتقادات شیخ صدوق» می‌باشد. یک شخص پیرو مکتب اهل بیت علیهم السلام که خود را شیعه می‌داند، قطعاً باید بداند که یک فرد شیعه چه فضایلی دارد. با دانستن فضایل شیعه بودن، مقام و ارزش شیعه بودن را درک می‌کند. کسی که فضایل شیعه را درک نمود، بدون تردید نیاز آشنایی با صفات شیعه را پیدا می‌کند تا به تمام این صفات ارزشمند که منشأ و حیانی دارد، خود را متصف سازد و به عنوان یک شخص شیعه مورد رضایت خداوند متعال و اهل بیت علیهم السلام هویت یابد. این دو عنوان؛ یعنی «فضایل شیعه» و «صفات شیعه» به صورت ممتاز با متن عربی احادیث همراه با سند و منابع آنها و ترجمه گویا، روان و شیرین در اختیار شما عزیزان می‌باشد. ان شاء الله با مطالعه و عمل به مفاد آنها بتوانیم یک شیعه واقعی باشیم و خشنودی پروردگار متعال و اهل بیت علیهم السلام را تحصیل نماییم و مایه رشد و تعالی برای این مذهب شویم. امیدواریم به زودی شاهد به ثمر رسیدن دو اثر دیگر یعنی «آیین دوستی» و «عقاید شیخ صدوق» باشیم تا با عقاید یک متفکر و اندیشمند که وجود او مایه برکت و مباحثات شیعیان است آشنا شویم و نیز با کتاب «آیین دوستی» با دوستان و خلیلان مورد نظر اهل بیت علیهم السلام آشنا شده و محشور شویم که دوست نقش اساسی در شکل گیری و ساختار شخصیت روحی - معنوی تمام انسان‌ها دارد. در پایان از زحمات برادر دانشمند و محب اهل بیت علیهم السلام جناب آقای لطیف راشدی که زحمت ترجمه و تحقیق این اثر گرانسنگ را بر عهده داشته‌اند قدردانی نموده و امید است در پناه حضرت مهدی «عجل الله تعالی فرجه الشریف» موفق و مؤید

باشند. «ربنا تقبل منا و اجعله ذُخراً و زاداً لآخرتنا انک انت السميع العليم و فعال لما تريد». مدیر مسؤول انتشارات مسجد مقدّس جمکران حسین احمدی

حدیث شماره یکم

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين و صلواته على محمد وآله الطاهرين ۱. قال أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القميّ الفقيه رضي الله عنه: قال: حدّثنا أبي رضي الله عنه، قال: حدّثنا عبد الله بن الحسين المودّب، عن أحمد بن علي الاصفهاني، عن محمد بن أسلم الطوسي، قال: حدّثنا أبو رجاء [عن حماد بن زيد، عن عبدالرحمان السراج عن نافع، عن ابن عمر قال: سألتنا النبي صلى الله عليه وآله عن علي بن أبي طالب عليه السلام؟ فغضب صلى الله عليه وآله ثمّ قال: ما بال أقوام يذكرون من منزلته من الله كمنزلتي. ألا و من أحبّ علياً فقد أحبّني و من أحبّني فقد رضي الله عنه و من رضي الله عنه كافاه الجنة. ألا و من أحبّ علياً لا يخرج من الدنيا حتّى يشرب من الكوثر و يأكل من طوبى و يرى مكانه في الجنة. ألا و من أحبّ علياً يقبل الله صلواته و صيامه و قيامه و استجاب له دعاءه. ألا و من أحبّ علياً استغفرت له الملائكة و فتحت له أبواب الجنة الثمانية يدخلها من أي باب شاء بغير حساب. ألا و من أحبّ علياً أعطاه الله كتابه يمينه و حاسبه حساب الأنبياء. ألا و من أحبّ علياً هون الله عليه سكرات الموت و جعل قبره روضة من رياض الجنة. ألا و من أحبّ علياً أعطاه الله بكلّ عرق في بدنه حوراء و شفّع في ثمانين من أهل بيته و له بكلّ شعرة في بدنه حوراء و مدينة في الجنة. ألا- و من أحبّ علياً بعث الله اليه ملك الموت كما يبعث الى الأنبياء و دفع الله عنه هول منكر و نكير و بيض وجهه و كان مع حمزة سيد الشهداء. ألا و من أحبّ علياً أثبت الله في قلبه الحكمة و أجرى على لسانه الصواب و فتح الله عليه أبواب الرحمة. ألا- و من أحبّ علياً سمى في السماوات و الأرض أسير الله. ألا و من أحبّ علياً ناداه ملك من تحت العرش: يا عبدالله استأنف العمل، فقد غفر الله لك الذنوب كلّها. ألا و من أحبّ علياً جاء يوم القيامة و وجهه كالقمر ليلة البدر. ألا و من أحبّ علياً وضع على رأسه تاج الملك و البس حمة الكرامة. ألا و من أحبّ علياً جاز على الصراط كالبرق الخاطف. ألا و من أحبّ علياً كتب له براءة من النار و جواز على الصراط و أمان العذاب و لم ينشر له ديوان و لم ينصب له ميزان و قيل له: أدخل الجنة بلا حساب. ألا و من أحبّ علياً صافحته الملائكة و زارته الأنبياء و قضى الله له كلّ حاجة. ألا و من أحبّ آل محمد أمن من الحساب و الميزان و الصراط. ألا و من مات على حبّ آل محمد فأنا كفيله بالجنة مع الأنبياء. ألا و من مات على بغض آل محمد لم يشم رائحة الجنة. قال أبو رجاء: كان حماد بن زيد يفتخر بهذا و يقول هو الأمل. (۱) شيخ صدوق رحمه الله عليه گفت: ابن عمر گفت: از رسول خدا صلى الله عليه وآله راجع به اميرالمؤمنين علي بن ابيطالب عليه السلام سؤال كرديم، حضرت ناراحت شد (۲) و فرمود: عدّه‌ای در مورد علي عليه السلام گفتگو و کنجکاو می کنند، آنها از اين کارشان چه قصد و منظوری دارند؟ جایگاه او نزد خدا، همانند جایگاه من پیش پروردگار است. بدانید! هر کس علي عليه السلام را دوست داشته باشد، مرا دوست داشته و هر کس مرا دوست داشته باشد، خدا از او راضی می شود و هر کس خدا از او راضی باشد، بهشت پاداش اوست. بدانید! هر کس علي عليه السلام را دوست داشته باشد، از دنیا خارج نمی شود، تا اینکه از حوض کوثر بنوشد و از درخت طوبی بخورد و جای خود را در بهشت ببیند. بدانید! هر کس علي عليه السلام را دوست داشته باشد، نماز و روزه او مورد قبول است و دعایش مستجاب می گردد. بدانید! هر کس علي عليه السلام را دوست داشته باشد، ملائکه برای او طلب آمرزش و مغفرت می کنند و درب های هشتگانه بهشت بر روی او گشوده می شود، تا از هر دری که می خواهد، بدون حساب وارد شود. بدانید! هر کس علي عليه السلام را دوست داشته باشد، خداوند در قیامت، نامه اعمالش را به دست راست او خواهد داد و حسابرسی از او، مثل حسابرسی از پیامبران است. بدانید! هر کس علي عليه السلام را دوست داشته باشد، خداوند سكرات و سختی های مرگ را بر او آسان می کند و قبرش را برای او، باغی از باغ های بهشت قرار می دهد. بدانید! هر کس علي عليه السلام را دوست داشته باشد، خداوند به تعداد هر رگی که در بدن اوست، حورالعین به او

می‌بخشد و شفاعتش در مورد هشتاد نفر از اقوام و نزدیکانش پذیرفته می‌شود و به تعداد هر مویی که در بدنش روئیده، حوریه و شهری در بهشت برای او خواهد بود. بدانید! هر کس علی‌علیه السلام را دوست داشته باشد، خداوند فرشته مرگ را هنگام جان دادن، به صورتی نزد او می‌فرستد که به نزد پیامبران می‌فرستد و ترس نکیر و منکر را از او برمی‌دارد و چهره‌اش را سفید و نورانی می‌گرداند و او را با حمزه سیدالشهداء علیه السلام محشور می‌فرماید. بدانید! هر کس علی‌علیه السلام را دوست داشته باشد، خداوند حکمت را در دل او ثابت قرار می‌دهد و زبانش را به درستی و راستی گویا می‌کند و از لغزش و خطا محافظتش می‌فرماید و درهای رحمت خود را می‌گشاید. بدانید! هر کس علی‌علیه السلام را دوست داشته باشد، در آسمان و زمین اسیر عشق او نامیده می‌شود. بدانید! هر کس علی‌علیه السلام را دوست داشته باشد، فرشته‌ها از زیر عرش صدایش می‌کنند و می‌گویند: ای بنده خدا! عملت را از نو شروع کن که خداوند تمام گناهان تو را بخشیده است. بدانید! هر کس علی‌علیه السلام را دوست داشته باشد، در صحرای محشر، همانند ماه شب چهارده، نورانی وارد می‌شود. بدانید! هر کس علی‌علیه السلام را دوست داشته باشد، تاجی بر سرش گذاشته و لباس‌های عزت بر وی پوشانیده می‌شود. بدانید! هر کس علی‌علیه السلام را دوست داشته باشد، همانند برق جهنده از پل صراط می‌گذرد. بدانید! هر کس علی‌علیه السلام را دوست داشته باشد، از آتش جهنم در امان خواهد بود و اجازه عبور از صراط به وی داده می‌شود و برای او حسابرسی نیست و دیوان عمل او را باز نمی‌کنند و اعمال او را نمی‌سنجند و به او می‌گویند که بدون حساب داخل بهشت شود. بدانید! هر کس علی‌علیه السلام را دوست داشته باشد، فرشتگان با او مصافحه می‌کنند و پیامبران علیهم السلام او را زیارت می‌نمایند و خداوند متعال آرزوهایش را برآورده می‌سازد. هر کس خاندان محمد علیهم السلام را دوست بدارد، از حسابرسی و سنجش اعمال و لغزش از پل صراط، در امان خواهد بود. هر کس بر دوستی خاندان محمد علیهم السلام بمرسد، من ضامن همنشینی او با پیامبران، در بهشت هستم. دوری کنید از اینکه بر دشمنی خاندان محمد علیهم السلام بمرسید، چون بوی بهشت را استشمام نخواهید کرد. ابو رجاء گفت: حماد بن زید به محبت خاندان محمد علیهم السلام افتخار می‌کرد و می‌گفت: اصل قبولی اعمال این است.»

حدیث شماره دوم

۲. حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَعِيدٍ [عَنْ بَنِي أَحْمَدَ بْنِ حَمْدَانَ الْقَشِيرِيِّ عَنِ الْمَغِيرَةِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُهَلَّبِ الْأَزْدِيِّ، عَنِ عَبْدِ الْغَفَّارِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْكَلَابِيِّ، عَنِ عَمْرِو بْنِ ثَابِتٍ، عَنِ جَابِرِ بْنِ أَبِي جَعْفَرٍ، عَنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنِ أَبِيهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: [حَبِيبِي وَ] حَبِّ أَهْلِ بَيْتِي نَافِعٌ فِي سَبْعَةِ مَوَاطِنَ أَهْوَالِهِنَّ عَظِيمَةٌ: عِنْدَ الْوَفَاةِ وَ فِي الْقَبْرِ وَ عِنْدَ النُّشُورِ وَ عِنْدَ الْكِتَابِ وَ عِنْدَ الْحِسَابِ وَ عِنْدَ الْمِيزَانِ وَ عِنْدَ الصَّرَاطِ. (۳) امام سجاده علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: دوستی با اهل بیت من، در هفت جایگاه ترسناک برای شما مفید است: (۱) هنگام مرگ (۲) در قبر (۳) موقع برخاستن از قبور (۴) وقت باز شدن پرونده اعمال (۵) در حسابرسی (۶) هنگام سنجش اعمال (۷) عبور از پل صراط.

حدیث شماره سوم

۳. حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمَغِيرَةِ [عَنْ جَدِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمَغِيرَةِ] عَنْ إِسْمَاعِيلِ بْنِ مُسْلِمِ الشَّغِيرِيِّ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ أَبِيهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَثْبِتْكُمْ قَدَمًا عَلَى الصَّرَاطِ أَشَدَّكُمْ حَبًّا لِأَهْلِ بَيْتِي. (۴) امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس از شما که محبتش به اهل بیت من، بیشتر باشد، قدمش از لغزیدن بر روی پل صراط در امان تر خواهد بود.

حدیث شماره چهارم

۴. حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ رَحِمَهُ اللَّهُ [عَنْ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى، عَنْ بَكْرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ هِشَامِ عَنْ [أَبِي حَمزَةَ الثَّمَالِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَعَلِّي عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا عَلِيُّ! مَا ثَبِتَ حَيْثُكَ فِي قَلْبِ امْرَأَةٍ مُؤْمِنَةٍ فَزَلَّتْ بِهِ قَدَمُهُ عَلَى الصِّرَاطِ الْأَيْمَنِ ثَبِتَتْ لَهُ قَدَمٌ حَتَّى يَدْخُلَهُ اللَّهُ بِحَيْثُكَ الْجَنَّةَ. (۵) إمام باقر علیه السلام فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: ای علی! محبت تو، در دل هر مومنی که جای گیرد خداوند او را از لغزش روی پل صراط محافظت خواهد کرد و قدم‌های او را استوار و محکم خواهد نمود و او را به بهشت خواهد برد.

حدیث شماره پنجم

۵. حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ الْحَسَنِ الْقَزْوِينِيِّ أَبُو الْحَسَنِ الْمَعْرُوفُ بِابْنِ مَقْبِرَةَ [عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ، عَنْ عَصَامِ بْنِ يَوْسُفَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَيُّوبَ الْكَلَابِيِّ، عَنْ عَمْرِو بْنِ سَلِيمَانَ] عَنْ زَيْدِ بْنِ ثَابِتٍ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا فِي حَيَاتِهِ وَبَعْدَ مَوْتِهِ كَتَبَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ مِنَ الْأَمْنِ وَالْإِيمَانِ مَا طَلَعَتْ عَلَيْهِ شَمْسٌ وَغُرِبَتْ. وَ مَنْ أَبْغَضَهُ فِي حَيَاتِهِ وَبَعْدَ مَوْتِهِ، مَاتَ مَوْتَهُ جَاهِلِيَّةً وَ حَوْسَبَ بِمَا عَمِلَ. (۶) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس علی علیه السلام را در زندگی و پس از مرگش دوست داشته باشد، تا زمانی که آفتاب طلوع و غروب می‌کند، خداوند برای او امن و ایمان می‌نویسد و کسی که با او در زمان زندگی و پس از مرگش دشمنی داشته باشد، به مرگ زمان جاهلیت مرده و از کوچک‌ترین کاری که کرده، بازخواست خواهد شد.

حدیث شماره ششم

۶. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيِّ الْأَسَدِيِّ الْمَعْرُوفُ بِابْنِ جَرَادَةَ الْبَرْدَعِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا رَقِيَّةُ بِنْتُ إِسْحَاقَ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَتْ: حَدَّثَنِي أَبِي إِسْحَاقُ بْنُ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ عَلِيٍّ قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي مُوسَى بْنُ جَعْفَرِ بْنِ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ أَبِيهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَا يَزُولُ قَدَمُ عَبْدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يَسْأَلَ عَنْ أَرْبَعَةِ أَشْيَاءَ: عَنْ شَبَابِهِ فِيمَا أَبْلَاهُ وَ عَنْ عَمْرِهِ فِيمَا أَفْنَاهُ وَ عَنْ مَالِهِ مِنْ أَيْنَ اكْتَسَبَهُ وَ فِيمَا أَنْفَقَهُ وَ عَنْ حَبْنِ أَهْلِ الْبَيْتِ. (۷) بنده در روز قیامت، هر قدمی که بر می‌دارد از این چهار چیز از او سؤال می‌کنند: (۱) از جوانیش که در چه راهی به کار برده (۲) از عمرش که در چه کاری تلف نموده (۳) از مالش که از کجا به دست آورده و در کجا خرج کرده (۴) از محبت ما اهل بیت علیهم السلام.

حدیث شماره هفتم

۷. حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْوَهَّابِ [عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ الْقَوَائِرِي، عَنْ أَبِي الْحُسَيْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَمَّارٍ، عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ تَوْبَةَ، عَنْ زِيَادِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْبِكَائِيِّ، عَنْ سَلِيمَانَ الْأَعْمَشِ، عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخَدْرِيِّ، قَالَ: كُنَّا جُلُوسًا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذْ أَقْبَلَ إِلَيْهِ رَجُلٌ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَخْبِرْنِي عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ لِابْلِيسَ: «أَسَيْتُكَبَّرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ» (۸) فَمَنْ هُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ الَّذِينَ هُمْ أَعْلَى مِنَ الْمَلَائِكَةِ؟ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَنَا وَ عَلِيُّ وَ فَاطِمَةُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ، كُنَّا فِي سِرَادِقِ الْعَرْشِ نَسْتَبِحُ اللَّهَ وَ تَسْبِيحَ الْمَلَائِكَةِ بَتَسْبِيحِنَا قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ آدَمَ بِالْفِي عَامٍ. فَلَمَّا خَلَقَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ آدَمَ، أَمَرَ الْمَلَائِكَةَ أَنْ

یسجدوا له و لم یأمرنا بالسجود فسجدت الملائكة كلهم الا ابليس فانه ابي و لم يسجد. فقال الله تبارك و تعالی: «أَسْتَكْبِرَتْ أُمُّ كُنْتُ مِنَ الْعَالِينَ» عنی من هولاء الخمسة المكتوبة أسماوهم فی سرادق العرش فنحن باب الله الذي يوتى منه، بنا يهتدى المهتدون فمن أحبنا أحببه الله و أسكنه جنّته و من أبغضنا أبغضه الله و أسكنه ناره و لا يحبنا الا من طاب مولده. (۹) ابوسعید خدری گفت: با رسول خدا صلی الله علیه و آله نشستیم بودیم، مردی جلو آمد و عرضه داشت: یا رسول خدا! در مورد این فرموده خداوند به ابلیس «أَسْتَكْبِرَتْ أُمُّ كُنْتُ مِنَ الْعَالِينَ» «تکبر نمودی، یا از برترین‌ها بودی» به من خبر بده پس عالین چه کسانی هستند که از فرشتگان مقامی بالاتر دارند؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: دو هزار سال قبل از خلقت آدم و هنگامی که خداوند، آدم را آفرید من، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام در مقابل عرش پروردگار بودیم و او را تسبیح می‌گفتم و فرشتگان به تسبیح ما، تسبیح می‌گفتند. به فرشتگان دستور داد که آدم را سجده کنند و به ما چنین دستوری نداد. تمام فرشتگان سجده کردند جز ابلیس که این کار را انجام نداد. سپس خداوند بزرگ فرمود: «أَسْتَكْبِرَتْ أُمُّ كُنْتُ مِنَ الْعَالِينَ» مقصود از عالین، پنج تن بودند که نام آنها بر سرادق عرش خداوند نوشته شده بود و ما کسانی هستیم که خلاق از طریق ما می‌توانند به خداوند نزدیک شوند و به وسیله ما هدایت می‌شوند و کسی که ما را دوست داشته باشد، خداوند او را دوست می‌دارد و او را در بهشت ساکن می‌گرداند و کسی که با ما دشمنی داشته باشد، خداوند او را دشمن می‌دارد و او را در آتش جهنم جای می‌دهد. و این را بدان که کسی جز حلال زاده ما را دوست ندارد.

حدیث شماره هشتم

۸. حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ الْوَهَّابِ [بِإِسْنَادٍ يَرْفَعُهُ] قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ حَمْرَانَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: خَرَجْتُ أَنَا وَ أَبِي ذَاتَ يَوْمٍ إِلَى الْمَسْجِدِ فَذَا هُوَ بِأَنَاسٍ مِنْ أَصْحَابِهِ بَيْنَ الْقَبْرِ وَ الْمَنْبِرِ، قَالَ: فَدَنَا مِنْهُمْ وَ سَلَّمَ عَلَيْهِمْ وَ قَالَ: أَنِّي وَ اللَّهُ لَا حَبَّ رِيحِكُمْ وَ أَرُوَا حِكْمَكُمْ، فَأَعِينُوا عَلَي ذَلِكُمْ بَوْرِعَ وَ اجْتِهَادًا. وَ اعْلَمُوا أَنَّ وَ لَا يَتَنَا لَا- تَنَا لَا- بِالْوَرَعِ وَ الاجْتِهَادِ، مِنْ أَتَمَّ مِنْكُمْ بِقَوْمٍ فليعمل بعملهم، أتم شيعه الله و أتم أنصار الله و أتم السابقون الأولون و السابقون الآخرون و السابقون في الدنيا إلى محبتنا و السابقون في الآخرة إلى الجنة. ضمنت لكم الجنة بضمان الله عزّ و جلّ و ضمان النبي صلی الله علیه و آله و أتم الطيبون و نساوكم الطيبات، كلّ مومنة حوراء و كلّ مؤمن صدّيق. کم من مرّة قال أمير المؤمنين عليه السلام لقنبر: أبشروا و بشروا فوالله لقد مات رسول الله صلی الله علیه و آله و هو ساخط على أمة الا الشيعه [ألا و انّ لكلّ شيء عروة و عروة الدين الشيعه]. ألا و انّ لكلّ شيء شرفاً و شرف الدين الشيعه. ألا و انّ لكلّ شيء سیداً و سید المجالس مجالس الشيعه. ألا و انّ لكلّ شيء اماماً و امام الأرض أرض تسكنها الشيعه. ألا و انّ لكلّ شيء شهوة و انّ شهوة الدنيا سكنى شيعتنا فيها. و الله لولا ما في الأرض منكم ما استكمل أهل خلافتكم طيبات [ما لهم] في الآخرة فيها من نصيب، كلّ ناصب و ان تعبد و اجتهد منسوب إلى هذه الآية «عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ تَصَلِّي نَارًا حَامِيَةً» (۱۰) و من دعا لكم مخالفاً فاجابه دعائه لكم و من طلب منكم إلى الله تبارك و تعالی اسمه حاجه، فله مائه [و من سأل منكم مسألة فله مائه]. و من دعا دعوة فله مائه و من عمل حسنة فلا يحصى تضاعفاً و من أساء سيئه فمحمّد رسول الله صلی الله علیه و آله حجّته على تبعته. و الله انّ صائمكم ليرتع في رياض الجنة، تدعو له الملائكة بالفوز حتى يفطر و انّ حاجكم و معتمرکم لخاصة الله عزّو جلّ و انّکم جميعاً لأهل دعوة الله و أهل ولايته لا خوف عليكم و لا حزن، كلّکم في الجنة فتنافسوا في الصالحات. و الله ما أحد أقرب من عرش الله عزّوجلّ بعدنا [يوم القيامة] من شيعتنا، ما أحسن صنع الله اليهم لو لا أن تفشلوا و يشمت بكم عدوكم و يعظّم الناس ذلك لسلمت عليكم الملائكة قبلاً. قال أميرالمؤمنين عليه السلام: يخرج أهل ولايتنا من قبورهم يخاف الناس و هم لا يخافون و يحزن الناس و هم لا يحزنون. [قال:] و قد حدّثنی محمد بن الحسن بن الوليد رحمه الله بهذا الحديث [بإسناده عن أبي بصير، عن أبي عبد الله عليه السلام (مثله) إلا أنّ حديثه لم يكن بهذا الطول (و) في هذا زيادة ليست في ذلك و المعاني متقاربة. (۱۱) روزی من و

پدرم به مسجد رفتیم و میان قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله و منبرش، به عده‌ای از اصحاب او برخورد کردیم. به آنان نزدیک شدیم، پدرم به آنها سلام کرد و فرمود: به خدا قسم! بو و جان‌های شما را دوست دارم، پس با پرهیزگاری و جهاد با نفس به این محبت و رابطه کمک کنید و بدانید که ولایت و دوستی ما جز با دوری از گناه و پرهیزگاری و تلاش در راه حق، به دست نمی‌آید. هر کس از عده‌ای پیروی کند، باید مانند آنها رفتار نماید، شما شیعه و حزب و یاران خدا هستید، پیشی گیرندگان اول و آخرید، در دنیا برای محبت به ما و در آخرت برای وارد شدن به بهشت، سبقت گیرنده هستید. بهشت را به ضمانت خدا و رسولش برای شما ضمانت کردم، شما و زنانان پاک هستید. هر زن مؤمنی حوری است و هر مرد مؤمنی، راستگو و صدیق می‌باشد. امیرالمؤمنین علیه السلام بارها به غلامش قنبر فرمود: بر شما بشارت و مژده باد خوشحال باشید که به خدا قسم! رسول خدا صلی الله علیه و آله از دنیا درگذشت، در حالی که بر تمامی امتش، جز شیعیان خشمناک و غضبناک بود. بدانید! برای هر چیز شرفی است و شرف دین، شیعه است. بدانید! برای هر چیزی آقایی و سروری است و سرور مجالس، جایگاه شیعیان می‌باشد. بدانید! برای هر چیز رهبری است و رهبر زمین‌ها، آن زمینی است که شیعه در آن ساکن باشد. بدانید! برای هر چیز تمایلی است و تمایل به دنیا، خانه‌ای است که شیعه ما در آن ساکن باشد. به خدا قسم! اگر کسی از شما بر روی زمین نبود، مخالفین شما ابداً از خوبی بهره‌ای نمی‌بردند؛ آنان در آخرت نصیبی ندارند. هر کس که دشمن ما و شما باشد، اگر در عبادت و انجام اعمال نیک پر تلاش باشد، مشمول این آیه «عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ تَصَلِّي نَاراً حَامِيَةً» «کسانی که پیوسته عمل می‌کنند و خسته می‌شوند و در آتش سوزان وارد می‌گردند» است. اگر کسی از مخالفان برای شما دعا کند، دعای او درباره شما به استجاب خواهد رسید و اگر کسی از شما حاجتی بخواهد و یا دعایی کند، صد برابر آن، برای او خواهد بود. اگر کسی از شما کار نیکی کند، زیادی جزای آن را نمی‌توان شمرد و اگر کسی از شما کار بدی کند، رسول خدا صلی الله علیه و آله از تبعات و آثار آن، جلوگیری می‌کند. به خدا سوگند! روزه‌دار شما در باغ‌های بهشت قدم برمی‌دارد و ملائکه او را به پیروزی و رستگاری مژده می‌دهند، تا افطار کند. حج کننده و عمره گزارنده شما از خواص درگاه حق به حساب می‌آید و یقیناً همگی شما از اهل دعوت و ولایت خدا هستید و ترس و اندوهی بر شما نمی‌باشد، تمام شما در بهشتید، پس در انجام کارهای نیک از یکدیگر سبقت بگیرید. به خدا قسم! پس از ما، کسی به پروردگار عالم، نزدیک‌تر از شما نیست. چقدر خداوند به شما نیکی کرده است، اگر چنین نبود، در کارها عاجز و ناتوان می‌شدید و دشمنانتان شما را سرزنش می‌کردند و مردم این امری بزرگ می‌پنداشتند. فرشتگان با شما رو به رو می‌شدند و سلام می‌کردند. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: دوستان ما در حالی از قبرهایشان برانگیخته می‌شوند که همه مردم ترسان و ناراحتند و آنان ترسی و ناراحتی‌ای ندارند.

حدیث شماره نهم

۹. عن أبي ذرّ رضی الله عنه، قال: رأيت رسول الله صلی الله علیه و آله قد ضرب كتف علي ابن أبي طالب عليه السلام بيده و قال: يا علي من أحبنا فهو العربي و من أبغضنا فهو العلج فشيعتنا أهل البيوتات و المعادن و الشرف و من كان مولده صحيحاً. ما علي ملّة ابراهيم عليه السلام الا نحن و شيعتنا و سائر الناس منها براء، ان الله و ملائكته يهدمون سيئات شيعتنا كما يهدم القدوم البنیان. (۱۲) ابوذر رحمه الله گفت: دیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله بر کتف علی علیه السلام زد و فرمود: یا علی! هر کس ما را دوست داشته باشد، از ما است و هر کس که با ما دشمنی داشته باشد، کافر است. پس شیعیان ما اصیل‌زاده و با شرافتند و به صورت صحیح به دنیا آمده‌اند. و کسی جز ما و پیروانمان بر آیین ابراهیم علیه السلام نیست، سایر مردم از این راه دور هستند. خداوند و فرشتگان، بدی‌های شیعیان ما را از بین می‌برند، همان‌طور که تیشه، ساختمان را خراب می‌کند.

حدیث شماره دهم

۱۰. حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْوَهَّابِ: قَالَ: حَدَّثَنَا حَمَّادُ بْنُ يَزِيدَ، عَنْ أَبِي يُوْبَ عَنْ عَطَاءَ، عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: حَبَّ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ يَأْكُلُ السَّيِّئَاتِ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطْبَ. (۱۳) رَسُولُ خِداصَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَرَمُود: دُوسْتِي عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، كُنَّاهَانُ شِيْعِيَانِ رَا اَز بِيْن مِي بَرْد، هَمَان طُور كِه آتَش، هِيْزَم رَا اَز بِيْن مِي بَرْد.

حدیث شماره یازدهم

۱۱. و بهذا الاسناد، عن مستفاد بن محیی قال: حَدَّثَنَا زَكْرِيَّا بْنُ يَحْيَى بْنِ أَبَانَ الْقَسْطَاطِ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ زِيَادٍ، عَنْ عَقْبَةَ، عَنْ عَامِرِ الْجَهْنِيِّ، قَالَ: دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْمَسْجِدَ وَنَحْنُ جُلُوسٌ وَفِينَا أَبُو بَكْرٍ وَعَمْرٌ وَعُثْمَانُ وَعَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي نَاحِيَةِ، فَجَاءَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَجَلَسَ إِلَى جَانِبِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَجَعَلَ يَنْظُرُ يَمِينًا وَشِمَالًا. ثُمَّ قَالَ: إِنَّ عَنِ يَمِينِ الْعَرْشِ وَعَنِ يَسَارِ الْعَرْشِ لِرَجَالٍ - عَلِيٌّ مِنْابِرٌ مِنْ نُورٍ تَتَلَأَلُ - وَجُوهُهُمْ نُورٌ. قَالَ: فَقَامَ أَبُو بَكْرٍ وَقَالَ: يَا أَبِي أَنْتَ وَآمِي يَا رَسُولَ اللَّهِ أَنَا مِنْهُمْ؟ قَالَ لَهُ: اجْلِسْ. ثُمَّ قَامَ إِلَيْهِ عَمْرٌ، فَقَالَ لَهُ مِثْلَ ذَلِكَ، فَقَالَ لَهُ: اجْلِسْ. فَلَمَّا رَأَى ابْنَ مَسْعُودٍ مَا قَالَ لَهُمَا النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَامَ حَتَّى اسْتَوَى قَائِمًا عَلَى قَدَمَيْهِ، ثُمَّ قَالَ: يَا أَبِي أَنْتَ وَآمِي يَا رَسُولَ اللَّهِ صَفْهَمُ لَنَا، نَعْرِفُهُمْ بِصَفْتِهِمْ. قَالَ: فَضْرَبَ عَلِيٌّ مَنْكَبَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ قَالَ: هَذَا وَشِيْعَتُهُ هُمُ الْفَائِزُونَ. (۱۴) عَامِرُ الْجَهْنِيُّ كَقَت: رَسُولُ خِداصَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَارَدَ مَسْجِدَ شَدَّ وَ مَا نَشِستَه بُوْدِيْم وَ أَبُو بَكْرٍ، عَمْرٌ، عُثْمَانُ وَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ نِيْز دَر مِيَان مَا بُوْدُنْد. رَسُولُ خِداصَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَزْد عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَشِست وَ بَه رَاسْت وَ چَپ نَگَاهِي كَرْد وَ فَرَمُود: دَر رَاسْت وَ چَپ عَرَش، مَرْدَانِي بَر مَنبِرَهَائِي اَز نُور هَسْتَنْد كِه اَز صُورْت آَنان نُور مِي تَابَد. أَبُو بَكْرٍ بَر خَاسْت وَ كَقَت: پَدَر وَ مَادَرْم فِدَاي تُو بَاد، اِي رَسُول خِدا! مَن اَز آَنانم؟ فَرَمُود: بَنَشِيْن. سَپَس عَمْرُ بَر خَاسْت وَ كَقَتَه أَبُو بَكْرٍ رَا عَرَض كَرْد. رَسُولُ خِداصَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَه او نِيْز فَرَمُود: بَنَشِيْن. هَنگَامِي كِه ابْن مَسْعُود اِيْن جَرِيَانات رَا دِيْد، بَلَنْد شَدَّ وَ عَرَض كَرْد: پَدَر وَ مَادَرْم فِدَاي تُو بَاد؛ اَوْصافِ آَنان رَا بَر اِيْمان بَگُو، تَا بَه صَفت وَ نَشانِي، آَنها رَا بَنَشانِسيْم. رَسُولُ خِداصَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ دَسْت خُود رَا بَر دُوش اَمِيْرالمُؤْمِنِيْن عَلَيْهِ السَّلَامُ زَد وَ فَرَمُود: او وَ شِيْعانِش رَسْتگارانْد.

حدیث شماره دوازدهم

۱۲. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ رَحِمَهُ اللَّهُ، [عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَسْبٍ، عَنْ حَبِيبِ السَّجِسْتَانِيِّ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: لَا عَدُوَّ بِيْنَ كُلِّ رَعِيَّةٍ فِي الْإِسْلَامِ (دَانْت بُولايَة) اِمَام جَائِر ظالِم لِيْس مِنْ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ اِنْ كَانَتِ الرَّعِيَّةُ فِيْ اَعْمالِها بَارَة تَقِيَّة، لا وَعَفُوْنَ عَنْ كُلِّ رَعِيَّةٍ فِي الْإِسْلَامِ (دَانْت بُولايَة) اِمَام عَادِل مِنْ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ اِنْ كَانَتِ الرَّعِيَّةُ فِيْ اَعْمالِها ظالِمَة مَسِيئَة. (۱۵) رَسُولُ خِداصَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَرَمُود: خِداوَنْد مَتَعال فَرَمُودَه اسْت: «هَر رَعِيْتِي كِه بَه رَهْبَر ظالِمِي كِه اَز طَرَفِ غَيْرِ مِنْ مَنصُوبِ شَدَّه نَزْدِيك شُود وَ او رَا دُوسْتِ دَاشْتَه باشَد، اِگر چَه بَسِيار با تَقَوا وَ نِيكوكار باشَد، او رَا عَذابِ مِي كَنَم وَ هَر رَعِيْتِ مَسلمانِي كِه بَه دُوسْتِي اِمَامِ عَادِلِي كِه اَز طَرَفِ مِنْ مَنصُوبِ شَدَّه باشَد، نَزْدِيك شُود، اِگر چَه ظالِم وَ بَد كَرْدار باشَد، او رَا مِي بَخْشَم.

حدیث شماره سیزدهم

۱۳. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَحِمَهُ اللَّهُ [بِاسْنَادٍ رَفَعَهُ قَالَ: حَدَّثَنَا الْمُفَضَّلُ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: أَنْتُمْ أَهْلُ تَحِيَّةِ اللَّهِ وَ سَلَامِهِ وَ أَنْتُمْ أَهْلُ اِثْرَةِ اللَّهِ وَ رَحْمَتِهِ وَ أَهْلُ تَوْفِيقِ اللَّهِ وَ عَصْمَتِهِ وَ أَهْلُ دَعْوَةِ اللَّهِ وَ طَاعَتِهِ

حساب علیکم و لا خوف و لا حزن. (۱۶) امام صادق علیه السلام فرمود: شما شایسته درود و رحمت خدا هستید و از اکرام شدگان حق و شایسته توفیق و در پناه پروردگار و شایسته دعوت خدا و بندگی او می‌باشید. حسابرسی و ترس و ناراحتی برای شما نیست.

حدیث شماره چهاردهم

۱۴. قال أبو حمزة: و سمعت أبا عبد الله جعفر بن محمد عليه السلام يقول: رفع القلم عن الشيعة بعصمة الله و ولايته. (۱۷) امام صادق علیه السلام فرمود: گناهان شیعیان ما نوشته نمی‌شود، چون خداوند آنان را محافظت می‌کند و در قلعه ولایت خداوند هستند.

حدیث شماره پانزدهم

۱۵. قال أبو حمزة: و سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: انى لأعلم قوماً قد غفر الله لهم و رضى عنهم عصمهم و رحمهم و حفظهم من كل سوء و أيدهم و هداهم الى كل رشد و بلغ بهم غاية الامكان. قيل: من هم يا أبا عبد الله؟ قال: اولئك شيعةنا الأبرار، شيعة علي عليه السلام. (۱۸) امام صادق علیه السلام فرمود: «من گروهی را می‌شناسم که خداوند گناهانشان را بخشیده و از آنان راضی است و آنها را تأیید می‌کند و به راه راست هدایت می‌فرماید و به آنها در حد امکان رسیدگی می‌کند. پرسیده شد: یا ابا عبد الله! آنها چه کسانی هستند؟ فرمود: شیعیان نیکوکار و پیروان علی علیه السلام هستند.

حدیث شماره شانزدهم

۱۶. و قال أبو عبد الله عليه السلام: نحن الشهداء على شيعةنا و شيعةنا شهداء على الناس و بشهادة شيعةنا يجوزون و يعاقبون. (۱۹) امام صادق علیه السلام فرمود: ما شاهد بر شیعیان خود هستیم و شیعیان ما، شاهد بر مردم می‌باشند و مردم به وسیله شهادت شیعیان به پاداش و عقاب می‌رسند.

حدیث شماره هفدهم

۱۷. أبى رحمه الله قال: حدثنى سعد بن عبد الله، (باسناد يرفعه) عن أبى بصير عن أبى عبد الله عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: يا على ان الله وهبك حبّ المساكين والمستضعفين فى الأرض، فرضيت بهم اخواناً و رضوا بك اماماً. فطوبى لمن أحبّك و صدّق عليك و ويل لمن أبغضك و كذّب عليك. يا على أنت العالم بهذه الامية، من أحبّك فاز و من أبغضك هلك. يا على أنا المدينة و أنت بابها و هل توتى المدينة إلا من بابها؟ يا على أهل مودتك كلّ أوّاب حفيظ و كلّ ذى طمر لو أقسم على الله لبرقسه. يا على اخوانك كلّ طاهر و زكى مجتهد يحبّ فيك و يبغض فيك، محترق عند الخلق، عظيم المنزلة عند الله. يا على محبّوك جيران الله فى دار الفردوس، لا يتأسّفون على ما خلفوا من الدنيا. يا على أنا ولى لمن واليت و أنا عدوّ لمن عاديت. يا على من أحبّك فقد أحبّنى و من أبغضك فقد أبغضنى. يا على اخوانك الذبل الشفاه، تعرف الرهبانية فى وجوههم. يا على اخوانك يفرحون فى ثلاثة مواطن: عند خروج أنفسهم و أنا شاهدهم و أنت و عند المساءلة فى قبورهم و عند العرض و عند الصراط، اذا سئل سائر الخلق عن ايمانهم فلم يجيبوا. يا على حربك حربى و سلمك سلمى و حربى حرب الله، من سالمك فقد سالم الله عزّوجلّ. يا على بشرّ اخوانك بانّ الله قد رضى عنهم اذ رضيتك لهم قائداً و رضوا بك ولياً. يا على أنت أمير المؤمنين و قائد الغرّ المحجلين. يا على شيعةك المنتجبون و لو لا- أنت و شيعةك ما قام لله دين و لو لا من فى الارض منكم لما أنزلت السماء قطرها. يا على لك كثر فى الجنة و أنت ذو قرينها و شيعةك تعرف بحزب الله. يا على أنت و شيعةك القائمون بالقسط و خيرة الله من خلقه. يا على أنا أوّل من ينفذ التراب من رأسه و أنت معى، ثمّ سائر الخلق. يا على أنت و شيعةك على الحوض تسقون من أحببتهم و تمنعون من كرهتم و

أنتم الآمنون يوم الفزع الأكبر في ظل العرش، يفزع الناس ولا تفزعون ولا يحزن الناس ولا تحزنون، فيكم نزلت هذه الآية «إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنَىٰ أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا وَهُمْ فِي مَا اشْتَهَتْ أَنفُسُهُمْ خَالِدُونَ لَا يَحْزَنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ وَتَتَلَقَّيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمُكُمْ الَّذِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ» (۲۰). يا علي أنت و شيعتك تطلبون في الموقف و أنتم في الجنان تتنعمون. يا علي ان الملائكة و الخزان يشتاقون اليكم و ان حمله العرش و الملائكة المقربون ليخصونكم بالدعاء و يسألون الله بمحببتكم و يفرحون لمن قدم عليهم منهم كما يفرح الأهل بالغائب القادم بعد طول الغيبة. يا علي شيعتك الذين يخافون الله في السر و ينصحونه في العلانية. يا علي شيعتك الذين يتنافسون في الدرجات، لأنهم يلقون الله و ما عليهم من ذنب. يا علي ان أعمال شيعتك تعرض على كل يوم جمعة، فأفرح بصالح ما يبلغني من أعمالهم و أستغفر لسيئاتهم. يا علي ذكرك في التوراه و ذكر شيعتك قبل أن يخلقوا بكل خير و كذلك في الانجيل [فاسأل أهل الانجيل و أهل الكتاب يخبروك عن «اليا» مع علمك بالتوراه و الانجيل و ما أعطاك الله عزوجل من علم الكتاب و ان أهل الأنجيل ليتعاضمون إليا و ما يعرفون شيعته و أما يعرفونهم بما يجدونه في كتبهم. يا علي ان أصحابك ذكرهم في السماء أعظم من ذكر أهل الأرض لهم بالخير فليفرحوا بذلك و ليزدادوا اجتهاداً. يا علي أرواح شيعتك تصعد الى السماء في رقادهم، فتتظر الملائكة اليها كما ينظر الناس الى الهلال شوقاً اليهم و لما يرون من منزلتهم عند الله عزوجل. يا علي قل لأصحابك العارفين بك يتزهون عن الأعمال التي تعرفها عدوهم فما من يوم و لا ليلة إلا و رحمته الله تغشاهم، فليجتنبوا الدنس. يا علي اشتد غضب الله على من فلاهم و برئ منك و منهم و استبدل بك و بهم و مال الى عدوك و تركك و شيعتك و اختار الضلال و نصب الحرب لك و لشيعتك و أبغضنا أهل البيت و أبغض من والاك و نصرك و اختارك و بذل مهجته و ماله فينا. يا علي اقرئهم مني السلام من لم أر و لم يرني و اعلمهم أنهم اخواني الذين أشتاق اليهم فليلقوا علمي الى من يبلغ القرون من بعدى و ليمسكوا بحبل الله و ليعتصموا به و ليجتهدوا في العمل، فانا لا نخرجهم من هدى الى ضلاله. و أخبرهم أن الله عنهم راض و أنه يباهي بهم ملائكته و ينظر اليهم في كل جمعة برحمته و يامر الملائكة أن يستغفروا لهم. يا علي لا ترغب عن نصره قوم يبلغهم أو يسمعون أنني احبك فأحبوك لحبي اياك و دانوا الله عزوجل بذلك و أعطوك صفو المودة من قلوبهم و اختاروك على الآباء و الاخوة و الأولاد و سلكوا طريقك و قد حملوا على المكاره فينا فأبوا الا نصرنا و بذلوا المهج فينا مع الأذى و سوء القول و ما يقاسونه من مضاضة ذلك فكن بهم رحيماً و اقنع بهم، فان الله اختارهم بعلمه لنا من بين الخلق و خلقهم من طينتنا و استودهم سرنا و أزم قلوبهم معرفة حقنا و شرح صدورهم و جعلهم متمسكين بحبلنا، لا يوثرون علينا من خالفنا مع ما يزول من الدنيا عنهم و ميل الشيطان بالمكاره عليهم أيدهم الله و سلك بهم طريق الهدى فاعتصموا به و الناس في غمرة الضلالة متحيرون في الأهواء، عموا عن الحجة و ما جاء من عند الله، فهم يمسون و يصبحون في سخط الله و شيعتك على منهاج الحق والاستقامة لا يستأنسون الى من خالفهم ليست الدنيا منهم و ليسوا منها. «اولئك مصايح الدجي، اولئك مصايح الدجي»، اولئك مصايح الدجي». (۲۱) رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: ای علی! خداوند دوستی بیچارگان و مستضعفین را به تو بخشید و تو به برادری با آنها راضی شدی و آنان نیز به اینکه تو رهبر آنان باشی، راضی شدند. خوشا به حال کسی است که تو را دوست داشته باشد و تصدیق نماید و بیچاره کسی که دشمن تو باشد و تو را تکذیب نماید. ای علی! تو دانشمند این امت هستی هر کس تو را دوست داشته باشد، رستگار می شود و هر کس که دشمن تو باشد، هلاک می گردد. ای علی! من شهر هستم و تو درب آن می باشی و آیا جز از درب، می توان وارد شهر شد؟ ای علی! محبین تو به درگاه خداوند، بسیار توبه کننده اند و بر آن مواظبت می کنند و صاحب لباس کهنه اند که اگر خدا را برای چیزی سوگند دهند، قبول می شود. ای علی! برادران تو از گناه پاک هستند و گرسنه و پرتلاش می باشند، دوستی شان برای تو و دشمنی آنها در راه تو می باشد. نزد مردم کوچکنند و نزد خدا دارای مرتبه ای بلند می باشند. ای علی! دوستان تو در فردوس، همسایگان خداوند و به خاطر از دست دادن متاع دنیا، غمگین نمی شوند. ای علی! من دوست کسی هستم که با تو دوست است و دشمن کسی هستم که با تو دشمن است. ای علی! هر کس تو را دوست داشته، مرا دوست داشته و هر کس با تو دشمن باشد، با من دشمن است. ای علی!

برادران تو کسانی هستند که از زیادی ریاضت و روزه‌داری لب‌هایشان چروک خورده و ترک دنیا در چهره آنان دیده می‌شود. ای علی! برادران تو در سه جا شاد و خوشحال می‌شوند: (۱) هنگام جان دادن در حالی که من و تو ناظر آنان می‌باشیم. (۲) موقع سوال و جواب قبر و عرضه اعمال (۳) هنگام گذشتن از پل صراط؛ همان زمانی که از ایمان مردم سؤال می‌کنند و پاسخی نمی‌دهند. ای علی! جنگ با تو، جنگ با من و صلح با تو، صلح با من است و جنگ با من جنگ با خدا می‌باشد. کسی که با تو در حال صلح است، با خدا صلح کرده است. ای علی! به برادران مژده و بشارت بده که پروردگار از آنان خشنود است، چون رهبری تو را برای آنها پسندید و آنها نیز به رهبری و دوستی تو رضایت داده‌اند. ای علی! تو امیر مؤمنان و پیشوای و سفیران هستی! ای علی! شیعه تو نجیب است. و اگر تو و شیعیان نبودید، دین خدا بر پا نمی‌شد و از آسمان قطره‌ای بر زمین فرو نمی‌ریخت. ای علی! در بهشت برای تو گنجی است و تو ذوالقرنین این امت هستی. پیروان تو حزب الله هستند. ای علی! تو و شیعیان قیام کنندگان برای عدالت و برگزیده الهی می‌باشید. ای علی! من و تو اولین افرادی هستیم که از خاک بر می‌خیزیم و بعد از ما، سایر مردم از قبرها خارج خواهند شد. ای علی! تو و شیعیان دوستان خود را از حوض کوثر، سیراب می‌کنید و دشمنان خویش را منع می‌نمایید. در روز قیامت در سایه عرش خداوند در امانید، در حالی که تمام مردم در ناله، ترس و ناراحتی اند و شما از ناراحتی دور هستید. این آیه در مورد شما نازل شده است: «إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنَىٰ أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ، لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا وَهُمْ فِي مَا اشْتَهَتْ أَنفُسُهُمْ خَلِدُونَ، لَا يَخْرُجُ لَهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ وَتَلَقَّوهُمُ الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمُكُمْ الَّذِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ». «کسانی که به توفیق ما، در نیکی‌ها سبقت گرفتند و از آن (دوزخ) دور هستند و صدای آن را نمی‌شنوند و از آنچه دلشان بخواهد، جاودانه متنعیم هستند. وحشت روز قیامت اندوهگین‌شان نسازد و فرشتگان به استقبال‌شان می‌آیند و بشارت دهند که این همان روزی است که به شما وعده داده شده بود.» ای علی! در توقفگاه‌های قیامت به دنبال تو و شیعیان هستند و حال آنکه شما در بهشت به نعمت‌های پروردگار خویش مشغولید. ای علی! ملائکه و کلید داران بهشت مشتاق شما هستند و حاملان عرش و ملائکه مقرب الهی دعایشان را به شما اختصاص می‌دهند و از خداوند محبت شما را می‌خواهند و همچون خانواده‌ای که از آمدن عضوی از آنها که در غیبت و سفر طولانی بود، خوشحال می‌شوند، فرشتگان نیز از ورود شیعیان مسرور می‌گردند. ای علی! شیعیان در خفا از خدا می‌ترسند و در آشکارا بنده مطیع خدایند و مردم را به فرمانبری از حق، نصیحت می‌کنند. ای علی! شیعیان برای کسب درجات عالی از یکدیگر سبقت می‌گیرند، تا خدا را در روز قیامت، بدون گناه دیدار کنند. ای علی! در هر جمعه، اعمال شیعیان را به من نشان می‌دهند، بر اعمال نیک آنان، خوشحال می‌شوم و برای گناهانشان طلب آمرزش و مغفرت می‌کنم. ای علی! در تورات، تو و شیعیان به نیکی یاد شده‌اید، پیش از آنکه شیعیان آفریده شده باشند و در انجیل هم تو را بزرگ می‌شمارند، در حالی که شیعیان را به اندازه‌ای که در کتاب‌هایشان نوشته شده، می‌شناسند. ای علی! شیعیان را در آسمان، نیکوتر از زمین یاد می‌کنند. پس باید بر این نعمت خوشحالی کنند و به خاطر آن، هر لحظه تلاش خود را در بندگی پروردگار زیادتر نمایند. ای علی! ارواح شیعیان در خواب، به سوی آسمان بالا می‌روند و فرشتگان مانند کسی که هلال را می‌بیند، با شوق آنان را می‌بینند، به خاطر مقام و منزلتی که نزد خدا دارند. ای علی! به یاران عارف خود بگو، از اعمال مخلوط به گناه که از دشمنان گرفته‌اند، دوری کنند و هر روز و شب رحمتی نو از طرف خداوند آنان را در بر می‌گیرد، پس تا می‌توانند از گناهان دوری کنند. ای علی! خداوند خشم شدیدی گرفت، بر کسانی که در برابر تو و شیعیان دشمنی کردند و از تو و آنان دوری جستند و کسانی که به جای تو و شیعیان افراد دیگر را برگزیده‌اند و به سوی دشمن تو روی آورده‌اند و تو و شیعیان را ترک نموده و گمراهی را اختیار کرده‌اند و با تو و شیعیان جنگ نموده‌اند. و نسبت به اهل بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله و دوستان و کسانی که تو را یاری کرده و خون و جان و مال خود را در راه ما ریختند و ما را بر دیگران برگزیدند، دشمنی داشتند. ای علی! سلام مرا به آن دسته از پیروانی که من آنها را ندیده‌ام و آنان هم مرا دیدار نکرده‌اند، برسان و بشارت ده که آنها، برادران من هستند و برای دیدار آنان مشتاق هستم. پس باید علم مرا به قرون بعد نیز برسانند و به ریسمان الهی

چنگ بزنند و همراه آن باشند و در عمل کوشا باشند و بدانند که ما، آنها را از هدایت به گمراهی نمی‌کشانیم و به آنها خبر بده که پروردگارشان از آنها راضی است و به وجودشان بر فرشتگان خویش افتخار می‌کند و در هر جمعه به وسیله رحمت مخصوص خویش آنها را سرافراز می‌نماید و به ملائکه امر می‌نماید که برای آنها آمرزش بخواهند. ای علی! از یاری رساندن به کسانی که شنیده‌اند من تو را دوست دارم و تو را به خاطر من دوست دارند و به این وسیله به خدا نزدیکی می‌جویند، دست مکش، آنها کسانی هستند که بهترین محبت‌های خالصانه را به تو تسلیم کرده‌اند و تو را بر پدران و فرزندان خود برتری داده و راه تو را انتخاب نموده‌اند و همه ناراحتی‌ها و گفتارهای تلخ نیش‌دار و دردناکی که در راه دوستی با ما تحمّل می‌کنند، را بر خود هموار کرده‌اند. پس برای آنها دلسوز باش و فقط با آنها دوستی کن؛ چون خداوند متعال به وسیله دانایی‌اش، آنها را از سایر مردم برای ما انتخاب کرده و آنان را از طینت ما آفریده و سرّ ربوبیت، عبودیت، ولایت و محبت را در دل ایشان جای داده و قلوب آنها را همراه معرفت حقّ ما کرده و دل‌هایشان را فراخ و گسترش داده و شرح صدر به آنان عطا فرموده و از چنگ زندگان به ریسمان ولایت ما قرارشان داده است. آنها مخالف ما را بر ما بر نمی‌گزینند، حتی اگر دنیای آنها در معرض خطر قرار گیرد و حاکم بر عذاب کردنشان مداومت ورزد. خداوند دست‌های آنان را در دست هم می‌گذارد و بین آنها الفت بر قرار می‌کند. راه هدایت را در پیش پای آنها می‌گذارد تا خود را از گمراهی حفظ کنند، در حالی که سایر مردم در گمراهی و خواهش نفسانی گنج مانده و راه چپ و راست خود را نمی‌شناسند و از دیدن حجت و نشانی پروردگار و آنچه از نزد او آمده محروم‌اند و با خشم خداوند، صبح را شام می‌کنند ولی شیعیان تو در راه حقّ صحیح‌اند، با کسانی که در راه مخالف آنها هستند، انس نمی‌گیرند. دنیا از آنان نیست و آنان هم از دنیا نیستند. آنها چراغ‌های رفع تاریکی هستند.

حدیث شماره هجدهم

۱۸. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَحِمَهُ اللَّهُ، قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ، قَالَ: حَدَّثَنِي عَبَادُ بْنُ سَلِيمَانَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَلِيمَانَ، عَنْ أَبِيهِ سَلِيمَانَ الدَّيْلَمِيِّ، قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذْ دَخَلَ عَلَيْهِ أَبُو بَصِيرٍ وَ قَدْ حَضَرَهُ النَّفْسُ، فَلَمَّا أَنْ أَخَذَ مَجْلِسَهُ قَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا أَبَا مُحَمَّدٍ مَا هَذَا النَّفْسُ الْعَالِي؟ قَالَ: جَعَلْتُ فِدَاكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ كِبْرَ سَنَى وَ دَقَّ عَظْمِي وَ اقْتَرَبَ أَجْلِي مَعَ مَا أَتَى لَا أُدْرِي عَلَيَّ مَا أُرْدُ عَلَيْهِ فِي آخِرَتِي؟ فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا أَبَا مُحَمَّدٍ وَ أَنْتَ لَتَقُولَ هَذَا! قَالَ: قُلْتُ: جَعَلْتُ فِدَاكَ فَكَيْفَ لَا- أَقُولُ؟ قَالَ: يَا أَبَا مُحَمَّدٍ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَكْرُمُ الشَّبَابَ مِنْكُمْ وَ يَسْتَحِي مِنْ الْكُهُولِ؟ قَالَ اللَّهُ يَكْرُمُ الشَّبَابَ مِنْكُمْ أَنْ يَعْذِبَهُمْ وَ مِنَ الْكُهُولِ أَنْ يَحْسَبَهُمْ. قَالَ: قُلْتُ: جَعَلْتُ فِدَاكَ هَذَا لَنَا خَاصٌّ أَمْ لِأَهْلِ التَّوْحِيدِ؟ قَالَ: فَقَالَ: لَا وَ اللَّهُ الْأَلَمُ خَاصِيَةٌ دُونَ الْعَامِيَّةِ. (و فِي الْخَبَرِ) أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: شَيْبَ الْمُؤْمِنِينَ نُورِي وَ أَنَا أُسْتَحَى أَنْ أَحْرَقَ نُورِي بِنَارِي وَ قَدْ قِيلَ: الشَّيْبُ حَلِيَّةُ الْعَقْلِ وَ سَمُّهُ الْوَقَارُ. قَالَ: قُلْتُ: جَعَلْتُ فِدَاكَ فَأَنَا قَدْرَمِينَا بِشَيْءٍ أَنْكَسَرَتْ لَهُ ظَهْرُنَا وَ مَاتَتْ لَهُ أَفْئِدَتُنَا وَ اسْتَحَلَّتْ بِهِ الْوَلَاءَ دِمَاءُنَا فِي حَدِيثٍ رَوَاهُ لَهُمْ فَفَهَأْؤِهِمْ. قَالَ: فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الرَّافِضَةُ؟ قَالَ: قُلْتُ: نَعَمْ. قَالَ: لَا وَ اللَّهُ مَا هُمْ سَمُوكُمْ بِهِ، بَلِ إِنَّ اللَّهَ سَمَّاكُمْ بِهِ، أَمَا عَلِمْتَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ أَنَّ سَبْعِينَ رَجُلًا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ رَفَضُوا فِرْعَوْنَ [وَ قَوْمَهُ إِذْ اسْتَبَانَ لَهُمْ ضَلَالَهُمْ فَلَحَقُوا بِمُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا اسْتَبَانَ لَهُمْ هِدَاةً، فَسَمَّوْا فِي عَسْكَرِ مُوسَى الرَّافِضَةَ، لِأَنَّهُمْ رَفَضُوا فِرْعَوْنَ وَ كَانُوا أَشَدَّ [أَهْلَ ذَلِكَ الْعَسْكَرِ عِبَادَةً وَ أَشَدَّهُمْ حُبًّا لِمُوسَى وَ هَارُونَ وَ ذُرِيَّتِهِمَا. فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَى مُوسَى أَنْ أَثْبَتَ لَهُمْ هَذَا الْأَسْمَ فِي التَّوْرَةِ فَانِي قَدَسَمَّيْتَهُمْ بِهِ وَ نَحَلْتَهُمْ آيَاهُ، فَأَثْبَتَ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ الْأَسْمَ لَهُمْ، ثُمَّ ادَّخَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَكُمْ هَذَا الْأَسْمَ حَتَّى نَحْلُكُمُوهَ. يَا أَبَا مُحَمَّدٍ رَفَضُوا الْخَيْرَ وَ رَفَضْتُمْ الشَّرَّ بِالْخَيْرِ. تَفَرَّقَ النَّاسُ كُلَّ فِرْقَةٍ وَ تَشَعَّبُوا كُلَّ شَعْبَةٍ، فَانْشَعَبْتُمْ مَعَ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ مُحَمَّدِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَذَهَبْتُمْ حَيْثُ ذَهَبَ اللَّهُ وَ اخْتَرْتُمْ مِنْ اخْتَارَ اللَّهُ وَ أَرَدْتُمْ مِنْ أَرَادَ اللَّهُ. فَابْشَرُوا ثُمَّ ابْشَرُوا فَأَنْتُمْ وَ اللَّهُ الْمَرْحُومُونَ الْمُتَقَبَّلُونَ مِنْ مَحْسَنِكُمْ وَ الْمُتَجَاوِزُونَ عَنْ مَسِيئِكُمْ، مَنْ لَمْ يَأْتِ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ بِمَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ [يَوْمَ الْقِيَامَةِ] لَمْ يَتَقَبَّلْ مِنْهُ حَسَنَةٌ وَ لَمْ يَتَجَاوِزْ عَنْهُ سَيِّئَةٌ. يَا أَبَا مُحَمَّدٍ [فَهَلْ

سررتک؟ قال: قلت: جعلت فداک زدنی. قال: فقال: یا ابا محمد [ان لله عزوجل ملائکته تسقط الذنوب عن ظهور شیعتنا كما تسقط الريح الورق عن الشجر في اوان سقوطه و ذلك قول الله عزوجل: «وَالْمَلَائِكَةُ يَسْبِحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ فِي الْأَرْضِ» (۲۲). فاستغفارهم والله لكم دون هذا الخلق، یا ابا محمد فهل سررتک؟ قال: قلت: جعلت فداک زدنی. قال: یا ابا محمد ما استثنى الله أحداً من أوصياء الأنبياء ولا أتباعهم ما خلا أمير المؤمنين عليه السلام و شيعته فقال في كتابه و قوله الحق: «يَوْمَ لَا يُعْنِي مَوْلَى عَن مَّوْلَى شَيْئاً وَلَا هُمْ يَنْصُرُونَ إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ» (۲۳) یعنی بذلك علیاً و شيعته، یا ابا محمد فهل سررتک؟ قال: قلت: جعلت فداک زدنی. قال: لقد ذکرکم الله فی کتابه اذ یقول: «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» (۲۴) و الله ما أراد بهذا غیرکم. یا ابا محمد فهل سررتک؟ قال: قلت: جعلت فداک زدنی. قال: یا ابا محمد لقد ذکرکم الله فی کتابه فقال: «إِنَّ عِبَادِيَ لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ» (۲۵) و الله ما أراد بهذا الا الأئمة عليهم السلام و شيعتهم. یا ابا محمد فهل سررتک؟ قال: قلت: جعلت فداک زدنی. قال: [یا ابا محمد لقد ذکرکم الله فی کتابه فقال: «فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا» (۲۶) و رسول الله صلى الله عليه وآله في هذه الآية من التبيين و نحن في هذا الموضع الصديقون و الشهداء و أنتم الصالحون، فتسموا بالصالح كما سماكم الله عزوجل. یا ابا محمد، فهل سررتک؟ قال: قلت: جعلت فداک زدنی. قال: یا ابا محمد لقد ذکرکم الله اذ حکى عن عدوکم و هو فی النار اذ یقول: «وَقَالُوا مَا لَنَا لَنَرِي رِجَالاً كُنَّا نَعُدُّهُمْ مِّنَ الْأَشْرَارِ أَتَّخَذْنَا لَهُمُ سِخْرِيًا أَمْ زَاغَتْ عَنْهُمْ الْأَبْصَارُ» (۲۷) ما عنى و لا أراد بهذا غیرکم، اذ صرتم فی هذا العالم شرار الناس فأنتم و الله فی الجنة تحبرون و أنتم فی النار تطلبون. یا ابا محمد، فهل سررتک؟ قال: قلت: جعلت فداک زدنی. قال: یا ابا محمد ما من آية نزلت تقود الى الجنة و تذكر أهلها بخير الا و هي فينا و في شيعتنا و ما من آية نزلت تذكر أهلها بسوء و تسوق الى النار، الا و هي فی عدونا و من خالفنا. [فهل سررتک یا ابا محمد؟] قال: قلت: جعلت فداک زدنی. فقال: یا ابا محمد ليس على ملّة ابراهيم صلى الله عليه وآله الا نحن و شيعتنا و سائر الناس من ذلك براء، یا ابا محمد فهل سررتک؟ (۲۸) سليمان ديلمى گفت: نزد امام صادق عليه السلام بوديم که ابوبصير نفس زنان وارد شد و هنگامی که نشست، امام صادق عليه السلام به او فرمود: این چه حالی است که داری؟ عرض کرد: ای پسر پیامبر! سنّ من زیاد شده و مغز استخوانم آب شده و مرگم نزدیک گشته، در حالی که نمی دانم در آخرت چه اوضاعی خواهم داشت. فرمود: ای ابا محمد! تو هم چنین می گویی؟ عرض کرد: فدایت شوم، چرا نگویم! فرمود: ای ابا محمد! آیا نمی دانی خداوند متعال جوانان شما را گرامی داشته از اینکه عذاب کند و به پیران شما لطف نموده که از آنها حسابرسی نماید. عرض کرد: فدایت شوم! آیا این تفضل مخصوص ماست، یا برای تمام اهل توحید نیز می باشد؟ فرمود: نه، این فقط برای شما است، نه برای دیگران. خداوند متعال می فرماید: سفیدی مو در مؤمنین، نور من است و من شرم دارم از اینکه نورم را به وسیله آتش بسوزانم؛ و گفته اند سفیدی مو، زینت عقل و نشانه وقار است. عرض کرد: فدایت شوم؛ به خاطر حدیثی که فقها برایشان روایت کرده اند، ما مورد حمله قرار گرفته ایم، که پشتمان را شکسته و باعث دل مردگی ما شده است و حاکمان، خون ما را حلال دانسته اند. امام صادق عليه السلام فرمودند: رافضه؟ عرض کرد: بلی. فرمود: به خدا قسم! آنها، این نام را بر روی شما نگذاشته اند، بلکه پروردگار شما را به این نام نامیده است. مگر نمی دانی که گمراهی فرعون برای هفتاد مرد از بنی اسرائیل آشکار شد و او را رها کردند و به حضرت موسی عليه السلام پیوستند، موقعی که هدایت او بر آنان آشکار شد، در لشکر موسی عليه السلام به رافضه مشهور شدند، چون فرعون را رها کردند و این عده در بندگی خدا و محبت به موسی عليه السلام و هارون و فرزندانش مصرترین مردم بودند. خداوند برای موسی وحی فرستاد که این اسم را در تورات برای آنها ثبت کن که من، این نام را برای آنها قرار دادم. پس موسی عليه السلام این اسم را برای آنها ثبت کرد، سپس خداوند بزرگ این اسم را ذخیره کرد تا به شما عنایت فرماید. ای ابا محمد! آنها ترک خیر کردند و شما به خاطر خیر، ترک شر نمودید. در حالی که مردم متفرق شدند، شما به اهل بیت پیامبران پیوستید و در راهی که به خدا منتهی می شود، گام برداشتید و کسی را که خداوند انتخاب کرده، انتخاب

کردید. و آنچه را که خدا اراده کرده اراده کردید پس بشارت باد شما را که مورد رحمت و عنایت پروردگارید. اعمال نیکوی شما قبول می‌شود و اعمال بد شما آمرزیده می‌گردد. هر کس از راهی که شما به سوی خدا می‌روید، نرود، اعمال نیکش پذیرفته نمی‌گردد و گناهانش بخشیده نمی‌شود. ای ابا محمد! خداوند ملائکه‌ای دارد که گناهان شیعیان را می‌ریزند، همان طور که باد، برگ درختان را می‌ریزد و این مصداق فرمایش خداوند در قرآن مجید است که می‌فرماید: «وَالْمَلَائِكَةُ يَسْجُدُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ يَسْتَعْفِفُونَ لِمَنْ فِي الْمَرْضِ» (۲۹)، «و فرشتگان پروردگارشان را تسبیح می‌کنند و برای کسانی که در زمین هستند، آمرزش می‌خواهند.» استغفار آنان فقط برای شما است، نه برای دیگر مردمان. ای ابا محمد! آیا خوشحال شدی؟ عرض کرد: فدایت شوم! زیادتر بفرما. فرمود: ای ابا محمد! خداوند هیچ یک از جانشینان پیامبران را استثنا قرار نداده، مگر امیرالمؤمنین علیه السلام و شیعیان او را و در قرآن فرموده: «يَوْمَ لَمَّا يَعْنِي مَوْلَى عَن مَّوْلَى شَيْئًا وَلَا هُمْ يَنْصُرُونَ إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ» (۳۰)، «روزی که هیچ دوستی، کمترین کمکی به دوستش نمی‌کند و از هیچ سویاری نمی‌شوند مگر کسی که خدا او را مورد مرحمت قرار داده.» مقصود این آیه، علی علیه السلام و شیعیانش هستند. ای ابا محمد! آیا خوشحال شدی؟ عرض کرد: فدایت شوم! زیادتر بفرما. فرمود: خداوند شما را در این آیه شریفه یاد کرده: «يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» (۳۱)؛ «ای بندگانی که بر نفس‌های خود ظلم کرده‌اید، از رحمت خدا ناامید نشوید. خداوند گناهان همه را می‌بخشد، او خدای آمرزنده بخشایشگر است.» ای ابا محمد! خوشحال شدی؟ عرض کرد: فدایت شوم! زیادتر بفرما. فرمود: خداوند در قرآن شما را این گونه یاد نموده: «إِنَّ عِبَادِيَ لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ» (۳۲)؛ «تو (شیطان) هرگز سلیطه‌ای بر بندگان من نخواهی یافت.» به خدا قسم که جز ائمه‌علیهم السلام و پیروانشان کسی دیگر منظور نیست. ای ابا محمد! آیا خوشحال شدی؟ عرض کرد فدایت شوم! زیادتر بفرما. فرمود: خداوند در قرآن، شما را یاد کرد و فرمود: «فَأُولَٰئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِم مِّنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَٰئِكَ رَفِيقًا» (۳۳)؛ «آنها همنشین کسانی خواهند بود که خدا، نعمت خود را بر آنان تمام کرده، از پیامبران، صدیقان، شهدا و صالحان و آنان رفیقان خوبی هستند.» در این آیه رسول خدا صلی الله علیه و آله از انبیا است و ما از صدیقین و شهدا هستیم و شما از صالحین هستید و به صلاح و نیکی نام‌گذاری می‌شوید، همان طور که خداوند شما را نامیده است. ای ابا محمد! آیا مسرور شدی؟ عرض کرد: فدایت شوم! زیادتر بفرما. فرمود: هنگامی که خداوند از دشمن شما حکایت می‌کند که در آتش است، شما را یاد کرده است: «وَقَالُوا مَا لَنَا لَنَرِي رِجَالًا كُنَّا نَعُدُّهُمْ مِّنَ الْأَشْرَارِ، أَتَّخَذْنَاهُمْ سِحْرِيًّا أَمْ زَاغَتْ عَنْهُمْ الْأَبْصَارُ» (۳۴)؛ «چه شده مردانی را که از اشرارشان می‌شمردیم و آنها را به مسخره می‌گرفتیم، نمی‌بینیم (در دوزخ نیستند) یا چشمان ما بر آنها نمی‌افتد.» منظور در این آیه کسی غیر از شما نیست؛ چون در این دنیا در نظر مردم بدترین مردمان بودید، در حالی که در بهشت غرق در نعمت‌های خداوند هستید و شما را در دوزخ جستجو می‌کنند. ای ابا محمد! آیا خوشحال شدی؟ عرض کرد: فدایت شوم! زیادتر بفرما. ای ابا محمد! آیه‌ای پیرامون بهشت و اهل آن نازل نشده، مگر آنکه درباره ما و پیروان ما است و آیه‌ای پیرامون جهنم نازل نشده، مگر اینکه درباره دشمن ما و کسی که مخالف ما است، نازل شده است. عرض کرد: فدایت شوم! زیادتر بفرما. سپس فرمود: ای ابا محمد! بر دین و مذهب حنیف ابراهیم علیه السلام جز ما و شیعیان ما کسی نیست و سایر مردم از این راه بدورند. ای ابا محمد! آیا خوشحال شدی؟ عرض کرد: کافی است.

حدیث شماره نوزدهم

۱۹. اَبِي رَحْمَةَ اللَّهِ، قَالَ: حَدَّثَنِي سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: حَدَّثَنِي عَبَادُ بْنُ سَلِيمَانَ [عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَلِيمَانَ، عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قُلْتُ: جَعَلْتَ فِدَاكَ «فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ» (۳۵). قَالَ: فَقَالَ: مِنْ أَكْرَمِهِ اللَّهُ بَوْلَاتِنَا فَقَدْ جازَ الْعَقَبَةَ وَ نَحْنُ تَلَكُ الْعَقَبَةُ، مِنْ اقْتَحَمَهَا نَجَا. قَالَ: فَسَكَتَ، ثُمَّ قَالَ: هَلَّا أَفِيدُكَ حَرْفًا خَيْرًا فِيهَا مِنَ الدُّنْيَا وَ مَا فِيهَا؟ قَالَ: قُلْتُ: بَلَى، جَعَلْتَ فِدَاكَ. قَالَ: قَوْلُهُ

تعالی: «فَكَ رَقَبَةٍ» (۳۶) الناس کلهم عبید النار غیرک و أصحابک فانّ الله عزوجلّ فکّ رقابکم من النار بولایتنا أهل البيت (۳۷). ابان بن تغلب گفت: به امام صادق علیه السلام عرض شد: فدایت شوم معنی این آیه «فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ» (۳۸)؛ «به عقبه تکلیف تن در نداد» چیست؟ فرمود: کسی که خداوند ولایت ما را به او کرامت فرماید، از عقبه می‌گذرد و ما آن عقبه هستیم که هرکس از آن بگذرد، نجات می‌یابد. پس مکتبی کرد و سپس فرمود: آیا سخنی به تو بگویم که خیری در آن باشد و از دنیا و هرچه در آن هست، بهتر باشد؟ عرض کرد: بله، فدایت شوم. فرمود: فرموده خداوند تعالی «فَكَ رَقَبَةٍ» (۳۹)، «آزاد کردن بندگان» تمام مردم اسیر آتش‌اند، غیر از تو و یارانت که خداوند جلّ جلاله گردن‌های شما را از زنجیرهای آتشین دوزخ به خاطر دوستی ما اهل بیت عصمت، نجات داده است.

حدیث شماره بیستم

۲۰. و بهذا الاسناد عن سلیمان الدیلمی، عن ابي بصیر، عن ابي عبد الله عليه السلام قال: قال امير المؤمنين عليه السلام: أنا الراعی، راعی الأنام، أفتري الراعی لا يعرف غنمه؟ قال: فقام اليه جویریة و قال: یا امیرالمؤمنین فمن غنمک؟ قال: صفر الوجوه، ذبل الشفاه من ذکر الله. (۴۰) امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: من چوپان مردم هستم. آیا فکر می‌کنی چوپان گله خود را نمی‌شناسد؟ جویریة عرض کرد: یا امیرالمؤمنین! گله تو چه کسانی هستند؟ فرمود: کسانی که از بسیار یاد کردن خداوند، چهره‌هایی زرد و لب‌هایی خشکیده دارند.

حدیث شماره بیست و یکم

۲۱. و بهذا الاسناد عن سلیمان، عن عثمان بن أسلم عن معاوية الدهنی، قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: جعلت فداك هذا الحديث الذي سمعته منك ما تفسیره؟ قال: و ما هو؟ قلت: «انّ المؤمن ينظر بنور الله». فقال: یا معاوية انّ الله خلق المؤمنین من نوره و صنعهم من رحمته و اتّخذ ميثاقهم لنا في الولاية على معرفته، يوم عرفهم نفسه، فالمؤمن أخو المؤمن لأبيه و أمه أبوه النور و أمه الرحمة، انما ينظر بذلك النور الذي خلق منه. (۴۱) معاوية دهنی گفت: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم! تفسیر این حدیثی که از شما شنیدم، چیست؟ فرمود: آن حدیث کدام است؟ عرض کردم: مومن به نور خدا، نگاه می‌کند. فرمود: ای معاویه! خداوند مؤمنین را از نور خودش آفرید و از رحمت خود، آنان را ساخت و از آنها برای ولایت ما عهد و پیمان گرفت بر پایه شناسایی خودش، روزی که خود را به آنها شناسانید، مومن برادر مومن از یک پدر و مادر است، پدرش نور و مادرش رحمت است. مومن به این نوری که از آن آفریده شده، نگاه می‌کند.

حدیث شماره بیست و دوم

۲۲. و بهذا الاسناد عن سلیمان، عن داود بن كثير الرقي، قال: دخلت على ابي عبد الله عليه السلام فقلت له: جعلت فداك، قوله تعالى: «وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى» (۴۲) فما هذا الهدى بعد التوبة و الايمان و العمل الصالح؟ قال: فقال: معرفة الأئمة و الله امام [بعد امام (۴۳)]. داوود بن كثير رقی گفت: نزد امام صادق علیه السلام رفتم و عرض کردم: فدایت شوم! خداوند متعال فرموده است: «وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى»؛ «و من کسی را که توبه کند و ایمان آورد و اعمال شایسته به جا آورد و سپس هدایت یابد را می‌آمرزم». معنی این هدایت آخرین، بعد از توبه و ایمان و عمل صالح چیست؟ فرمود: قسم به خدا معرفت ائمه است، امامی پس از امام دیگر.

حدیث شماره بیست و سوم

۲۳. اَبی‌رحمه الله، قال: حدَّثنی سعد بن عبدالله، عن عباد بن سلیمان، عن سدید الصیرفی، عن اَبی عبدالله علیه السلام قال: دخلت علیه و عنده ابوبصیر و میسره و عدّه من جلسائه، فلما أن أخذت مجلسی أقبل علی بوجهه و قال: یا سدید، أما أن ولینا لیعبدالله قائماً و قاعداً و نائماً و حیاً و میتاً. قال: قلت: جعلت فداک اما عبادته قائماً و قاعداً و حیاً فقد عرفنا فكیف یعبدالله نائماً و میتاً؟ قال: انّ ولینا لیضع رأسه فیرقد، فاذا كان وقت الصلاة و کُل به ملکین خلقا فی الأرض لم یصعدا الی السماء و لم یریا ملکوتها فیصلیان عنده حتّی ینتبه فیکتب الله ثواب صلاتهما له و الرکعة من صلاتهما تعدل ألف صلاة من صلاة الآدمیین. و انّ ولینا لیقبضه الله الیه، فیصعد ملکاه الی السماء فیقولان: یا ربّنا عبدک (فلان بن فلان) انقطع و استوفی أجله و لانت أعلم منّا بذلك فائذن لنا نعبدک فی آفاق سمائك و اطراف أرضک. قال: فیوحی الله الیهما: انّ فی سمائی لمن یعبدنی و مالی فی عبادته من حاجه بل هو أحوج الیها و انّ فی أرضی لمن یعبدنی حقّ عبادتی و ما خلقت خلقاً أحوج الی منه، [فاهبطا الی قبر ولیی . فیقولان: یا ربّنا من هذا یسعد بحبک ایاه؟ قال: فیوحی الله الیهما: ذلك من أخذ میثاقه بمحمّد عبدی و وصیه و ذریتهما بالولایه، اهبطا الی قبر ولیی (فلان بن فلان)، فصلیا عنده الی أن أبعثه فی القیامه. قال: فیهبط الملكان، فیصلیان عند القبر الی أن یربعثه الله فیکتب ثواب صلاتهما له و الرکعة من صلاتهما تعدل ألف صلاة من صلاة الآدمیین. قال سدید: جعلت فداک یا بن رسول الله فأذن ولیکم نائماً و میتاً أعبد منه حیاً و قائماً؟ قال: فقال: هیهات یا سدید انّ ولینا لیؤمن علی الله عزّوجلّ یوم القیامه فیجیز أمانه. (۴۴) سدید صیرفی گفت: نزد امام صادق علیه السلام رفتم، در حالی که ابوبصیر و میسره و عدّه‌ای از یارانش نزد او بودند، هنگامی که نشستیم، رو به من کرد و فرمود: ای سدید! دوست ما در حال ایستاده، نشسته، خوابیده، بیداری، زنده بودن و مرگش، خدا را پرستش می‌کند. عرض کردم: فدای تو شوم! بندگی در حال ایستاده، نشسته و زنده بودن را شناختم ولی پروردگار در خواب و مرگ چگونه عبادت می‌شود؟ فرمود: هنگامی که دوست ما سر خود را بر زمین می‌گذارد و می‌خوابد، در هنگام نمازش دو فرشته که در زمین خلق شده‌اند و به آسمان نرفته‌اند و ملکوت آسمان‌ها را ندیده‌اند، موکل می‌شوند که در نزد او نماز بخوانند، تا زمانی که بیدار شود خداوند متعال ثواب نماز این دو فرشته را برای او می‌نویسد، در حالی که یک رکعت نماز آن دو، برابر هزار نمازی است که آدمیان به جای می‌آورند. دوستی از دوستان ما را قبض روح می‌کنند، آن دو فرشته به آسمان بالا می‌روند و به خداوند می‌گویند خدایا! بنده تو، فلانی، مرده است و تو خود این خبر را بهتر می‌دانی. به ما اجازه بده که تو را در آسمان و زمین نیایش کنیم. وحی می‌آید که: چه کسی می‌تواند در آسمانم، مرا آن‌طور که شایسته است، عبادت کند، در حالی که من به نیایش او نیازی ندارم، بلکه اوست که نیازمند آن است. و چه کسی در زمین است که مرا به شایستگی بندگی نماید، در حالی که آفریده‌ای از او نیازمندتر به خود، نیافریده‌ام. فرشتگان عرض می‌کنند: پس چه کسی به وسیله محبت تو خوشبخت می‌شود؟ وحی می‌رسد: کسی که از او اقرار و پیمان به نبوت بنده من محمّد صلی الله علیه و آله و ولایت و دوستی جانشین او و فرزندان پاکش گرفته شده است. به قبر دوست من، فلانی بروید و تا زمانی که از خاک برانگیخته شود، نزد او بمانید و نماز بخوانید. سپس امام علیه السلام فرمود: آن دو فرشته پایین آمده و نزد قبر او می‌روند و به نیایش پروردگار مشغول می‌شوند، تا روز قیامت فرا رسد و مزد نمازهای آن دو را برای او می‌نویسند، که هر رکعت نمازشان برابر هزار نماز آدمیان است. سدید عرض کرد: فدای تو شوم! بنابراین دوست شما که خواب و مرده است، از دوستی که بیدار و زنده است، عابدتر می‌باشد. فرمود: هیهات، ای سدید! دوست ما در روز قیامت برای دیگران امان از آتش دوزخ می‌طلبد و به او اجازه شفاعت و امان داده می‌شود.

حدیث شماره بیست و چهارم

۲۴. و بهذا الاسناد، عن سدير، قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: جعلت فداك يا بن رسول الله هل يكره المومن على قبض روحه؟ قال: لا- [والله أنه اذا أتاه ملك الموت ليقبض روحه جزع عند ذلك، فيقول له ملك الموت: يا ولي الله لا- تجزع فو الذي بعث محمداً صلى الله عليه وآله بالحق لأننا أبر بك و أشفق عليك من الوالد الرحيم لولده حين يحضره، افتح عينيك و انظر. قال: و يمثل له رسول الله صلى الله عليه وآله و أميرالمومنين و فاطمة و الحسن و الحسين و الأئمة عليهم السلام [فيقول له: هم رفقاوك. قال: فيفتح عينيه و ينظر و تنادى روحه من قبل العرش: «يا أيها النفس المطمئنة ارجعي الى محمّد و أهل بيته الى ربك راضية بالولاية، مرضية بالثواب فادخلي في عبادي - يعني محمّداً و أهل بيته - و ادخلي جنّتي»]. قال: فما من شيء أحب اليه من انسلال روحه و اللّحوق بالمنادى. (۴۵) سدير گفت: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: فدایت شوم! آیا مومن از قبض روحش ناراحت می شود؟ فرمود: نه؛ هنگامی که فرشته مرگ برای گرفتن جاننش می آید، او ناله می کند، فرشته مرگ به او می گوید: ای دوست خدا! ناله مکن، قسم به آن خدایی که محمدصلی الله علیه وآله را به درستی برانگیخته، من از پدر دلسوز به پسرش، نسبت به تو دلسوزتر و نیکوکارترم. نگاه کن که چه می بینی؟ در برابر چشمانش پیغمبر خدا، امیرالمومنین، فاطمه، حسن، حسین و ائمه ی اطهارعلیهم السلام ظاهر می شوند. به او می گویند: اینان دوستان تو هستند. چشمان خود را باز می کند و به آنها نگاه می کند. و از عرش به روح می گویند: ای نفس مطمئن به محمّد و خاندان محمّد! به سوی پروردگارت باز گرد که تو خشنود به ولایت هستی و خداوند نیز رضایت خود را با ثواب دادن ابراز می کند، پس در میان بندگانم - یعنی محمّد و خاندانش - و در بهشت داخل شو. در چنین حالی هیچ چیزی نزد او محبوب تر از این نیست که جاننش از بدنش جدا شده و به ندا کننده پیوندند.

حدیث شماره بیست و پنجم

۲۵. أبي رحمة الله قال: حدّثني سعد بن عبد الله [باسناد يرفعه] عن معاوية ابن عمّار، عن جعفر بن محمّد، عن أبيه، عن جدّه عليهم السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: اذا كان يوم القيامة يوتى بأقوام على منابر من نور تتلأأ و جوههم كالقمر ليلة البدر، يغطهم الأولون و الآخرون. ثم: سكت، ثم أعاد الكلام ثلاثاً. فقال عمر بن الخطاب: بأبي أنت و أمي هم الشهداء؟ قال: هم الشهداء و ليس هم الشهداء الذين تظنون. قال: هم الأنبياء؟ [قال: هم الأنبياء و ليس هم الأنبياء الذين تظنون قال: هم الأوصياء؟ قال: هم الأوصياء و ليس هم الأوصياء الذين تظنون. قال: فمن أهل السماء أو من أهل الأرض؟ قال: هم من أهل الأرض. قال: فاخبرني من هم؟ قال: فأوماً بيده الى على عليه السلام فقال: هذا و شيعته، ما يبغضه من قريش الآ سفاحي و لا من الأنصار الآ يهودي و لا من العرب الآ دعي و لا من سائر الناس الآ شقي، يا عمر! كذب من زعم أنه يحبني و يبغض علياً. (۴۶) پیامبرصلى الله علیه وآله فرمود: هنگامی که روز قیامت فرا رسد، عدّه‌ای بر منبرهایی از نور می آیند که صورت آنان همانند ماه شب چهارده می درخشد و اولین و آخرین مردم، به آنها حسرت می ورزند. از سخن باز ایستاد و سپس این جملات را سه بار تکرار کرد. عمر بن خطاب عرض کرد: پدر و مادرم فدای تو باد، این افراد شهدا هستند؟ فرمود: شهدا هستند ولی نه آن شهدایی که شما خیال می کنید! عرض کرد: انبیا هستند فرمود: انبیا هستند ولی نه آن انبیایی که شما خیال می کنید. عرض کرد: جانشینان پیامبران هستند؟ فرمود: اوصیایند ولی نه آن جانشینانی که در خاطر خود می گذرانید! عرض کرد: آسمانی یا زمینی هستند؟ فرمود: زمینی اند. عرض کرد: اینان چه کسانی هستند؟ رسول خدا صلى الله علیه وآله با دستش به علی علیه السلام اشاره کرد و فرمود: او و شیعیانش هستند. از قریش، جز کسی که حرام زاده باشد و از نژاد و مذاهب دیگر، جز یهودی و از عرب، جز مشکوک در نسب و از دیگر مردمان، جز بدبخت، کسی دشمن او نیست. ای عمر! دروغ می گوید کسی که گمان می کند، مرا دوست دارد، در حالی که با علی دشمن است.

حدیث شماره بیست و ششم

۲۶. حدّثنی محمّد بن الحسن بن أحمد بن الولید رحمه الله، قال: حدّثنی محمّد ابن الحسن الصّفّار [باسناد یرفعه عن محمّد بن قیس بن عامر بن السمط، عن أبی جعفر علیه السلام قال: قال رسول الله صلی الله علیه وآله: یأتی یوم القیامه قوم علیهم ثیاب من نور، علی وجوههم نور یعرفون بآثار السجود، یتخطّون صفّاً بعد صفّ حتّی یصیروا بین یدی ربّ العالمین یغبطهم النبیون و الملائکة و الشهداء و الصالحون. فقال له عمر بن الخطاب: من هؤلاء یا رسول الله الذین یغبطهم النبیون و الملائکة و الشهداء و الصالحون؟ قال: اولئک شیعتنا و علی امامهم. (۴۷) رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: در روز قیامت گروهی که لباس‌هایی از نور به تن دارند و چهره‌های نورانی دارند وارد صحرای محشر می‌شوند. از جای سجودشان شناخته می‌شوند. صفوف را می‌شکافند و به جلو می‌آیند تا در صف اول در برابر خداوند قرار می‌گیرند. پیغمبران و فرشتگان و شهداء و نیکوکاران به حال آنان غبطه می‌خورند. عمر بن خطاب گفت: اینها چه کسانی هستند؟ فرمود: این افراد پیروان ما می‌باشند؛ که علی علیه السلام پیشرو آنان است.

حدیث شماره بیست و هفتم

۲۷. حدّثنی محمّد بن الحسن بن أحمد بن الولید رحمه الله، قال: حدّثنی محمّد ابن الحسن الصّفّار [عن محمّد بن الحسین، عن عبد الله بن جبلة] عن معاویة ابن عمّار، عن أبی عبد الله علیه السلام، عن أبیه، عن جدّه علیهم السلام قال: قال رسول الله صلی الله علیه وآله لعلی: یا علی لقد مثلت الی امتی فی الطین حتّی رأیت صغیرهم و کبیرهم أرواحا قبل أن یخلق أجسادهم و ائی مرت بک و بشیعتک فاستغفرت لکم. فقال علی: یا نبی الله زدنی فیهم. قال: نعم، یا علی تخرج أنت و شیعتک من قبورکم و وجوهکم کالقمر لیلته البدر و قد فرجت عنکم الشدائد و ذهبت عنکم الأحزان، تستظّلون تحت العرش، تخاف الناس و لا تخافون و تحزن الناس و لا تحزنون و توضع لکم مائدة و الناس فی المحاسبة. (۴۸) رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: ای علی علیه السلام! امت من در عالم طینت، در مقابل من ظاهر شدند، تا اینکه کوچک و بزرگ آنها را دیدم. آنها، ارواحی بودند، قبل از آنکه بدن‌هایشان آفریده شود و من به نزد تو و شیعیانت رسیدم و برایتان طلب آمرزش کردم. علی علیه السلام عرض کرد: ای پیامبر خدا! بیشتر بفرما. فرمود: ای علی! تو و شیعیانت، با چهره‌هایی همچون ماه تابان بیرون می‌آید و سختی‌ها بر شما هموار می‌شود و بدون هراس و ترسی در زیر سایه عرش خداوند آرام می‌گیرید، در حالی که مردم هراسناک هستند و شما نمی‌ترسید و مردم ناراحت هستند و شما ناراحتی ندارید و شما بر سر سفره خداوند هستید و مردم گرفتار حسابرسی می‌باشند.

حدیث شماره بیست و هشتم

۲۸. أبی رحمه الله، قال: حدّثنا [أحمد بن ادريس: قال: حدّثنا یعقوب بن یزید عن محمّد بن أبی عمیر] عن محمّد القبطی قال: سمعت أبا عبد الله علیه السلام یقول: الناس أغفلوا قول رسول الله صلی الله علیه وآله فی علی علیه السلام یوم غدیر خمّ، كما أغفلوا قوله یوم مشرّبه امّ ابراهیم، أتى الناس یعودونه فجاء علی علیه السلام لیدنو من رسول الله صلی الله علیه وآله فلم یجد مکاناً، فلما رأى رسول الله صلی الله علیه وآله أنّهم لا یفرّجون لعلی علیه السلام قال: یا معشر الناس هؤلاء أهل بیتی تستخفون بهم و أنا حی بین ظهرانیکم؟! أما و الله لئن غبت فإنّ الله لا یغیب عنکم، انّ الروح و الراحه و الرضوان و البشری و الحبّ و المحیة لمن ائتمّ بعلی و تولّاه و سلّم له و للاوصیاء من بعده، حقّ علی أن ادخلهم فی شفاعتی لأنّهم أتباعی، فمن تبعنی فأنه منی، مثل جرى فی من ابراهیم لأنّی من ابراهیم و ابراهیم منی و دینی دینه و سنتی سنته و فضله فضلی و أنا أفضل منه و فضلی له فضل تصدیق قول ربّی: «ذُرِّیَّةٌ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِیعٌ عَلِیمٌ» (۴۹) و کان رسول الله صلی الله علیه وآله قد أثبت رجله فی مشرّبه امّ ابراهیم حین عاده الناس. (۵۰) محمّد قبطی گفت: امام صادق علیه السلام فرمود: مردم سخنان رسول خدا صلی الله علیه وآله را درباره علی علیه السلام در روز غدیر خم فراموش کردند، همان طور که سخنان او را در روز مشرّبه امّ ابراهیم فراموش کردند. هنگامی که علی علیه السلام نزدیک رسول خدا صلی

الله علیه و آله آمد ولی مردم به او جایی ندادند. چون رسول خدا صلی الله علیه و آله این صحنه را مشاهده نمود، فرمود: ای مردم! اینان اهل بیت من هستند. آنها را سبک می‌شمارید، در حالی که من زنده و در میان شما هستم؟ به خدا قسم! اگر از شما پنهان شوم، خداوند از شما پنهان نخواهد ماند. روح، راحت، رضوان، بشارت و محبت برای کسی است که از علی علیه السلام پیروی کند و او را دوست داشته باشد و تسلیم او و جانشینانش باشد. بر من لازم است که آنها را شفاعت کنم، برای اینکه آنها پیروان من هستند و کسی که مرا پیروی کند، از من است، همان طور که درباره ابراهیم علیه السلام وارد شده؛ چون من از ابراهیم علیه السلام و ابراهیم علیه السلام از من است و دین من، دین او و روش من، روش او و فضیلت او، فضیلت من است و من از او برترم و برتری من بر او به گواه فرمایش پروردگار است که می‌فرماید: «ذَرِيَّةٌ بَعْضُهُمْ مِّنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»؛ «فرزندانی که بعضی از آنها بر بعض دیگر برتری دارند و خداوند شنوای دانا است.» رسول خدا صلی الله علیه و آله زمانی این مطلب را بیان داشتند که مردم در مشربه امّ ابراهیم، به خاطر درد پاهای ایشان به عیادت آمده بودند.

حدیث شماره بیست و نهم

۲۹. اَبی‌رحمه الله، قال: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ [باسناد يرفعه عن أَبِي دَاوُدَ الْأَعْمَى، عن أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْجَدَلِيِّ قَالَ: قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَلَا أَحَدَثْتُكَ بِالْحَسَنَةِ الَّتِي مِنْ جَاءِهَا أَمِنْ مِنْ فِرْعَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّيِّئَةَ الَّتِي مِنْ جَاءِهَا أَكْبَهُ اللَّهُ عَلَيَّ وَجَهَهُ فِي النَّارِ؟ قَالَ: قُلْتُ: بَلَى. قَالَ: الْحَسَنَةُ حَبْنًا وَالسَّيِّئَةُ بَغْضَانًا. (۵۱) ابو عبدالله جدلی گفت: امام علی علیه السلام به من فرمود: ای ابو عبدالله! آیا می‌خواهی کار نیکی را به تو خیر دهم که اگر کسی به آن دست یابد، از ترس و هراس روز قیامت در امان می‌ماند و عمل بدی را به تو خیر دهم که اگر با آن انس گیرد، خداوند او را با صورت در آتش می‌اندازد؟ عرض کردم: بلی. فرمود: آن نیکی: محبت ما و آن بدی: دشمنی ما است.

حدیث شماره سی ام

۳۰. و بهذا الاسناد، عن الحسن بن علي، عن عاصم بن حميد، عن [أبي] اسحاق النحوي قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: إنَّ اللَّهَ أَدَّبَ نَبِيَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلِيَّ مَحَبَّتَهُ فَقَالَ: «وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ» (۵۲) ثم فَوَّضَ إِلَيْهِ فَقَالَ: «وَمَا آتَاكُمْ الرَّسُولَ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا» (۵۳) و قال: «مَنْ يَطِيعَ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ» (۵۴) و إنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَوَّضَ إِلَى عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَاتَّمَنَّهُ فَسَلَّمْتُمْ وَجَحَدَ النَّاسُ، فَوَاللَّهِ لِنَجَبِكُمْ أَنْ تَقُولُوا إِذَا قُلْنَا وَتَصَمْتُوا إِذَا صَمْتْنَا وَنَحْنُ فِيمَا بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ اللَّهِ وَ اللَّهِ مَا جَعَلَ لِأَحَدٍ مِنْ خَيْرٍ فِي خِلَافِ أَمْرِهِ. (۵۵) اسحاق نحوی گفت: امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند به رسولش آداب محبت، را آموخت و سپس فرمود: «وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ»؛ «تو اخلاق برجسته‌ای داری.» سپس امور دینش را به او سپرد و فرمود: «مَا آتَاكُمْ الرَّسُولَ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا»؛ «آنچه را پیغمبر برای شما آورد، بگیرید و عمل کنید و آنچه را که شما را از آن بازداشت، عمل نکنید.» و فرمود: «مَنْ يَطِيعَ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ»؛ «آن کس که پیغمبر را فرمان بُرد، خدا را فرمان بُرده است.» رسول خدا صلی الله علیه و آله هم بعد از خود این امر را به علی علیه السلام واگذار نمود و او را امین دانست و شما شیعیان به او سر فرود آورید ولی دیگر مردمان قبول نکردند. به خدا قسم! شما را دوست دارم، زیرا می‌گویید زمانی که ما گفتیم و سکوت می‌کنید زمانی که ما سکوت کردیم بین شما و خدای شما گواهییم. به خدا سوگند، برای هیچ کسی در مخالفت از دستورات علی علیه السلام، خیر و خوبی قرار داده نشده است.

حدیث شماره سی و یکم

۳۱. و بهذا الاسناد، عن الحسن بن محبوب، عن العلاء عن محمد بن مسلم، عن أبي جعفر عليه السلام قال: انّ ذنوب المومنين مغفورة لهم فليعمل المومن لما يستأنف، أما أنّها ليست الا لأهل الايمان. (۵۶) امام باقر عليه السلام فرمود: گناهان مومنان بخشیده می‌شود و مومن پس از آن همانند کسی است که تازه شروع به کار کرده و روشن است که این بخشش الهی، مخصوص اهل ایمان است.

حدیث شماره سی و دوم

۳۲. و بهذا الاسناد، عن أبي جعفر عليه السلام قال: ان الله عزّ و جلّ يعطى الدنيا من يحبّ و يبغض و لا يعطى الآخرة الا من أحبّ و انّ المومن ليسأل ربّه موضع سوط من الدنيا فلا يعطيه و يسأله الآخرة فيعطيه ماشاء و يعطى الكافر من الدنيا قبل أن يسأله ما شاء و يسأله موضع سوط فى الآخرة فلا يعطيه اياه. (۵۷) امام باقر عليه السلام فرمود: خداوند، دنیا را به دوست و دشمن خود داد ولی بهشت را فقط برای دوستان خود اختصاص داد. مومن از خداوند به اندازه تازیه‌ای از دنیا درخواست می‌کند، پس به او نمی‌دهد ولی از آخرت، هر چقدر که درخواست کند، به او می‌دهد. و دنیا بدون درخواست کافران به آنان داده می‌شود ولی هنگامی که از خداوند می‌خواهند که عذاب آخرت را از آنها دور کنند، جوابی نمی‌شنوند.

حدیث شماره سی و سوم

۳۳. و بهذا الاسناد، عن الحسن بن علی بن فضال، عن محمد بن الفضل، عن أبي حمزة، قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: أنتم للجنة و الجنة لكم، أسماوكم عندنا الصالحون و المصلحون و أنتم أهل الرضا عن الله برضاه عنكم و الملائكة اخوانكم فى الخير اذا اجتهدوا. (۵۸) امام صادق عليه السلام فرمود: شما و بهشت برای یکدیگر آفریده شده‌اید. شما به نیکوکاران و اصلاح کنندگان نامیده می‌شوید شما از خداوند خشنود خواهید شد به سبب رضایت خدا از شما و اگر در انجام اعمال نیک تلاش کنید، ملائکه برادران شما هستند.

حدیث شماره سی و چهارم

۳۴. و بهذا الاسناد قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: دياركم لكم الجنة و قبوركم لكم جنة، للجنة خلقتم و الى الجنة تصيرون. (۵۹) امام صادق عليه السلام فرمود: شهرها و قبرهای شما برایتان بهشت است. شما برای بهشت خلق شده‌اید و به آنجا هم خواهید رفت.

حدیث شماره سی و پنجم

۳۵. و بهذا الاسناد قال: سمعته يقول: إذا قام المومن فى الصلاة، بعث الله الحور العين حتى يحدقن به، فاذا انصرف و لم يسأل الله منهن شيئاً تفرقن و هنّ متعجبات. (۶۰) امام صادق عليه السلام فرمود: زمانی که مؤمن نماز می‌خواند، خداوند متعال حورالعین را می‌فرستد که اطراف او باشند و هنگامی که مؤمن نماز را تمام نمود و آنها را از خداوند متعال درخواست نکرد، آنها با تعجب از دور او پراکنده می‌شوند.

حدیث شماره سی و ششم

۳۶. حدّثنى [محمد بن الحسن بن أحمد بن الوليد، عن [محمد بن الحسن الصفار] عن محمد بن الحسين بن أبى الخطاب، عن الحسن بن على النعمان عن الحارث بن محمد الأحول، عن أبى عبد الله عليه السلام (عن) أبى جعفر عليه السلام قال: سمعته يقول: انّ رسول

اللَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَمَا اسْرَى بِهِ قَالَ لَعَلَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا عَلِيُّ أَنْتَى رَأَيْتَ فِي الْجَنَّةِ نَهْرًا أبيضٌ مِنَ اللَّبَنِ وَ أَحلى مِنَ الْعَسَلِ وَ أَشَدَّ اسْتِقَامَهُ: مِنَ السَّهْمِ، فِيهِ أَبَارِيقٌ عِدَدُ نَجُومِ السَّمَاءِ، عَلَى شَاطِئِهِ قَبَابُ الْيَاقُوتِ الْأَحْمَرِ وَ الدَّرِ الْأَبْيَضِ، فَضْرَبَ جَبْرَائِيلُ بِجَنَاحِهِ إِلَى جَانِبِهِ، فَإِذَا هُوَ مَسْكٌ أَذْفَرُ، ثُمَّ قَالَ: وَ الَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ إِنَّ فِي الْجَنَّةِ لَشَجْرًا يَتَصَفَّقُ بِالتَّسْبِيحِ بِصَوْتٍ لَمْ يَسْمَعْ الْأَوَّلُونَ وَ الْآخِرُونَ بِأَحْسَنِ مِنْهُ، يَثْمُرُ ثَمْرًا كَالرَّمَانِ وَ تَلْقَى الثَّمْرَةَ عَلَى الرَّجْلِ فَيَشَقُّهَا عَنْ تَسْعِينَ حَلَّةً وَ الْمُؤْمِنُونَ عَلَى كِرَاسِيٍّ مِنْ نُورٍ وَ هُمُ الْغَرَّ الْمُحِبِّجُونَ، أَنْتَ قَائِدُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، عَلَى الرَّجْلِ مِنْهُمْ نَعْلَانِ شِرَاكُهُمَا مِنْ نُورٍ يَضِيءُ أَمَامَهُ حَيْثُ شَاءَ مِنَ الْجَنَّةِ. فَبَيْنَاهُ كَذَلِكَ إِذْ أَشْرَفْتَ عَلَيْهِ امْرَأَةٌ مِنْ فَوْقِهِ تَقُولُ: سُبْحَانَ اللَّهِ يَا عَبْدَ اللَّهِ أَمَا لَكَ فِينَا دَوْلَةٌ؟ فَيَقُولُ: مَنْ أَنْتِ؟ فَتَقُولُ: أَنَا مِنَ اللَّوَاتِي قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (۶۱) ثُمَّ قَالَ: وَ الَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ أَنَّهُ لِيَجِيئَهُ كُلَّ يَوْمٍ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلِكٍ يَسْمُونَهُ بِاسْمِهِ وَ اسْمُ أَبِيهِ. (۶۲) رَسُولُ خُدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَعْدَ أَنْ مَعَرَّجَ بِهِ إِمَامٌ عَلَى عَلَيْهِ السَّلَامُ فَرَمُودُ: أَيُّ عَلِيُّ! دَرِ بَهْشْتِ نَهْرِي رَا دِيدِمُ كِهَ اَزْ شِيرِ، سَفِيدَتَرِ وَ اَزْ عَسَلِ، شِيرِينَتَرِ وَ اَزْ تِيرِ، فَرُو رُونَدَه تَرِ بُوَد. بَه تَعْدَادِ سِتَارِگَانِ آسْمَانِها، كَاسَه‌هايِي دَرِ آن بُوَد وَ دَرِ كِنَارِ آن كَنبَدِهايِي اَزِ يَاقُوتِ قَرْمَزِ وَ دُرِّ سَفِيدِ گِذَاشْتَه بُوَدَنَد. جَبْرَائِيلُ بِالِالشِّ بَه كِنَارِ او زَدِ وَ آن مَشْكُ خُوشْبُو بُوَد. سِپَسِ فَرَمُودُ: قَسْمُ بَه آن كَسِي كِهَ جَانِ مُحَمَّدِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ دَرِ دَسْتِ او اسْتِ، دَرِ بَهْشْتِ دَرِخْتِي اسْتِ كِهَ بَرِگِهايش تَسْبِيحُ مِي گُوِينَد كِهَ اوَّلِينِ وَ آخِرِينِ خَلِيقِ، صَدَائِي بَه خُوبِي وَ خُوشِي آن نَشْنِيدَه‌اَنَد. مِيوَه‌اي هَمَانَدِ اَنَارِ مِي دَهْدُ كِهَ چُونِ آن مِي اَفْتَدِ وَ مِوَمِنِ مِي شَكَا فِدَشِ، بَه نُودِ پَرْدَه تَقْسِيمِ مِي شُود. مِوَمِنِينِ بَرِ تَخْتِهايِي اَزِ نُورِ نَشْنَسْتَه‌اَنَدِ وَ اَزِ دَسْتِ وَ پِيشَانِيِ آنانِ نُورِ مِي تَابَدِ وَ تُوِ پِيشَوَايِ آنانِ هَسْتِي. بَرِ پايِ آنها كَفَشِهايِي اسْتِ كِهَ بِنْدَه‌ايِ آن اَزِ نُورِ اسْتِ وَ جَلُويِ خُودِ را اَزِ بَهْشْتِ تا آنجا كِهَ بَخُواهدِ، بِيِينَدِ، رُوشِنِ مِي كِنَد. دَرِ اَيْنِ حَالِ زَنِيِ اَزِ بَالَا بَه او گُوِيَدُ: پَاكُ اسْتِ خُدا. اِي بِنْدَه خُدا! خَيْرِ تُو بَرايِ ما چِيسْتِ؟ مِوَمِنِ گُوِيَدُ: تُو كِيسْتِي؟ پَاسِخِ دَهْدُ: اَزِ كِنِيزَانِيِ هَسْتِمُ كِهَ خُداوَنَدِ مِتَعَالِ پِيرامُونِ آنانِ فَرَمُودَه: «فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»؛ «هِيچِ كَسِ نَمِي دَانَدِ، چِهَ پاداشِهايِ مَهْمِي كِهَ مَايَه رُوشِنِيِ چِشْم‌هاسْتِ، بَرايِ آنانِ پَنهَانِ اسْتِ. اَيْنِ پاداشِ كارهايِي اسْتِ كِهَ اِنجَامِ مِي دَاَدَنَد.» سِپَسِ فَرَمُودُ: قَسْمُ بَه آن كَسِي كِهَ جَانِ مُحَمَّدِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ دَرِ دَسْتِ او اسْتِ، هَرِ رُوزِ هَفْتادِ هِزارِ فَرَشْتَه نَزْدِ او مِي آيِنَدِ كِهَ او را بَه نَامِ وَ نَامِ پَدَرَشِ مِي خُواَنَد.

حدیث شماره سی و هفتم

۳۷. حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ [بِاسْنَادٍ يَرْفَعُهُ عَنْ مَالِكِ بْنِ الْجَهْنِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: يَا مَالِكُ أَمَا تَرْضَوْنَ أَنْ تَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ تَوَدُّوا الزَّكَاةَ وَ تَكْفُوا أَيْدِيَكُمْ وَ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ؟ ثُمَّ قَالَ: يَا مَالِكُ أَنَّهُ لَيْسَ مِنْ قَوْمٍ ائْتَمَوْا بِإِمَامٍ فِي دَارِ الدُّنْيَا إِلَّا جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَلْعَنُهُمْ وَ يَلْعَنُونَهُ، إِلَّا أَنْتُمْ وَ مَنْ كَانَ بِمِثْلِ حَالِكُمْ، ثُمَّ قَالَ: يَا مَالِكُ مِنْ مَاتَ مِنْكُمْ عَلَى هَذَا الْأَمْرِ شَهِيدٌ بِمَنْزِلَةِ الضَّارِبِ بِسَيْفِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ. قَالَ: وَ قَالَ مَالِكُ: بَيْنَمَا أَنَا عِنْدَهُ ذَاتَ يَوْمٍ جَالِسٌ وَ أَنَا أَحَدُتُ نَفْسِي بِشَيْءٍ مِنْ فَضْلِهِمْ، فَقَالَ لِي: أَنْتُمْ وَ اللَّهُ شِيعَتُنَا لَا تَنْظُرَنَّ أَنْتَكَ مَفْرُطٌ فِي أَمْرِنَا. يَا مَالِكُ أَنَّهُ لَا يَقْدَرُ عَلَى صِفَةِ اللَّهِ أَحَدٌ، فَكَمَا لَا يَقْدَرُ عَلَى صِفَةِ اللَّهِ فَكَذَلِكَ لَا يَقْدَرُ عَلَى صِفَةِ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ كَمَا لَا يَقْدَرُ عَلَى صِفَةِ الرَّسُولِ فَكَذَلِكَ لَا يَقْدَرُ عَلَى صِفَتِنَا وَ كَذَلِكَ لَا يَقْدَرُ عَلَى صِفَةِ الْمُؤْمِنِ. يَا مَالِكُ إِنَّ الْمُؤْمِنَ لِيَلْقَى أَخَاهُ فَيَصَافِحُهُ فَلَا يَزَالُ اللَّهُ يَنْظُرُ إِلَيْهِمَا وَ الذُّنُوبَ تَتَحَاتَّتْ عَنْ وَجُوهِهِمَا حَتَّى يَتَفَرَّقَا وَ أَنَّهُ لَا يَقْدَرُ عَلَى صِفَةٍ مِنْهُ هَكَذَا. وَ قَالَ: إِنَّ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَقُولُ: لَنْ تَطْعَمَ النَّارُ مِنْ يَصِفُ هَذَا الْأَمْرَ. (۶۳) مَالِكُ جَهْنِي گُفْتِ: اِمَامِ صَادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَرَمُودُ: اِي مَالِكُ! اِيَا نَمِي خُواهِيدِ كِهَ نَمازِ بَخُوايِنَدِ وَ زَكَاتِ بَدِهِيَدِ وَ دَسْتِ بَه حَرَامِ دَرِازِ نَكُنِيَدِ وَ دَرِ عِوَضِ بَه بَهْشْتِ بَرُويَدِ؟ اِي مَالِكُ! هَرِ گِروهي كِهَ اَزِ رَهبرِي دَرِ دُنيا پيروِي كِنَدِ، رُوزِ قِيامَتِ، رَهبرِ وَ پيروِ هَرِ دُو يِكديگَرِ را لَعنِ مِي كِنَدِ، جِزِ شِماها يَ اِ هَرِ كَسِ كِهَ مَانَدِ شِما باشَد. اِي مَالِكُ! كَسِي اَزِ شِما كِهَ بَرِ دُوستِي ما بَميرَدِ، شَهِيدِ اسْتِ وَ مَانَدِ كَسِي اسْتِ كِهَ دَرِ رَاهِ خُدا جَنگِيده اسْت. مَالِكُ گُفْتِ: رُوزِي نَزْدِ آن حَضْرَتِ بُوَدِمُ وَ با خُودِ حَدِيثِي اَزِ فَضائِلِ آنها مِي گُفْتِمُ، كِهَ بَه مِنْ فَرَمُودُ: بَه خُدا قَسْمُ! شِما شِيعِيانِ گِمانِ

نکنید که درباره ما افراط کردید. ای مالک! کسی نمی‌تواند خداوند را آنطور که شایسته است، ستایش کند و همان طور که نمی‌تواند خدا را توصیف کند، از وصف کردن رسول خدا صلی الله علیه و آله هم عاجز و ناتوان است و به همین صورت، ما را هم نمی‌تواند، توصیف کند و همچنین از تعریف مؤمن نیز در مانده و عاجز است. ای مالک! مؤمن با برادر مؤمن خود برخورد می‌کند و مصافحه می‌نماید، در همان هنگام خداوند به آنها نظر می‌کند و گناهانشان را می‌ریزد، تا هنگامی که از یکدیگر جدا شوند. کسی توانایی ندارد چنین افرادی را آن طور که باید و شاید ستایش کند. پدرم می‌فرمود: آتش، کسی را که این امر را توصیف کند نمی‌سوزاند.

حدیث شماره سی و هشتم

۳۸. حدّثنی محمّد بن علی ماجیلویه، عن عمّه محمّد بن ابی القاسم [باسناد یرفعه عن عمر بن أبان الکلبی قال: قال أبو عبد الله علیه السلام: ما أكثر السواد!؟ قال: قلت له: أجل یابن رسول الله ما أكثر السواد. فقال: أما و الله ما یحجّ لله عزّو جلّ غیر کم و لا یصلّی الصلاتین غیر کم و لا یوتی أجره مرّتين غیر کم و انکم لدعاة الشمس و القمر و النجوم و لکم یغفر و منکم یتقبّل. (۶۴) جعفر بن عمر کلبی گفت: امام صادق علیه السلام فرمود: چه قدر مردم زیادند! عرض کردم: بلی، یابن رسول الله! چه قدر مردم زیادند! فرمود: قسم به خدا! جز شما کسی برای خدا حج نکرد. و جز شما کسی آن دو نماز را به جا نیاورد و پاداش دو برابر نگرفت. شما داعیان و مبلغان آفتاب و ماه و ستارگانید، گناهان شما آمرزیده و اعمال نیکتان قبول می‌شود.

حدیث شماره سی و نهم

۳۹. حدّثنا جعفر بن محمّد بن مسرور رحمه الله قال: حدّثنی الحسین ابن محمّد بن عامر [باسناد یرفعه عن الصباح بن سیابه، عن ابی عبد الله علیه السلام قال: انّ الرجل لیحبّکم و ما یدری ما تقولون، فیدخله الله النار وانّ الرجل لیملا صحیفته من غیر عمل. قلت: فکیف؟ قال: یمرّ بالقوم ینالون منا و اذا رأوه قال بعضهم لبعض: انّ هذا الرجل من شیعتهم و یمرّ بهم الرجل من شیعتنا فیرمونه و یقولون فیه فیکتب الله له بذلك حسنات حتّی یملا صحیفته من غیر عمل. (۶۵) صباح بن سیابه گفت: امام صادق علیه السلام فرمود: چه بسا کسی شما را در حالی که نمی‌داند، چه می‌گوید، دوست دارد و خدا او را داخل بهشت می‌کند و چه بسا مردی در حالی که نمی‌فهمد، چه می‌گوید، با شما دشمنی می‌کند و خداوند او را به آتش می‌برد و مردی هست که نامه عملش، بدون اینکه عمل نیکی انجام دهد، پُر می‌شود. عرض کردم: چگونه چنین چیزی امکان دارد؟! فرمود: فرد اوّل به گروهی از بدگویان ما برخورد می‌کند و هنگامی که او را می‌بینند، بعضی از آنها می‌گویند: این مرد از پیروان آنها است و فرد دوّم هنگامی که شیعه ما می‌گذرد، او را مورد تهمت قرار داده و درباره او آنچه را که نباید بگوید، می‌گوید. پس خداوند توانا حسناتی در نامه اعمال این شیعه می‌نویسد، بدون اینکه عملی کرده باشد.

حدیث شماره چهلم

۴۰. أبی رحمه الله قال: حدّثنی سعد بن عبد الله [باسناد یرفعه عن منصور الصیقل، قال: کنت عند أبی عبد الله علیه السلام فی فسطاطه بمنی، فنظر الی الناس فقال: یا کلون الحرام و یلبسون الحرام و ینکحون الحرام. ولكن أتمّ تأکلون الحلال و تلبسون الحلال و تنکحون الحلال. والله ما یحجّ غیر کم و لا یتقبّل الا منکم. (۶۶) منصور صیقل گفت: نزد امام صادق علیه السلام در منی بودیم، ایشان به مردم نظری افکند و فرمود: آنها، حرام می‌خورند، حرام می‌پوشند و به حرام ازدواج می‌کنند ولی شما، حلال می‌خورید، حلال می‌پوشید و به حلال ازدواج می‌کنید. به خدا سوگند! جز شما کسی حج نیاورده و عملی غیر از عمل شما پذیرفته نمی‌شود.

حدیث شماره چهل و یکم

۴۱. و بهذا الاسناد، عن الحسن بن علی بن عاصم بن حمید، عن عمر بن حنظلّه، قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: يا عمر انّ الله يعطى الدنيا لمن يحبّ و يبغض و لا- يعطى هذا الأمر الاّ صفوته من خلقه، أنتم و الله على دینی و دین آبائی ابراهیم و اسماعیل، لا أعنى علی بن الحسین و لا الباقر علیهم السلام و لو كان هولاء علی دین هولاء. (۶۷) عمر بن حنظلّه گفت: امام صادق علیه السلام فرمود: «ای عمر! خداوند، دنیا را به دوست و دشمنش می دهد ولی دوستی ما را فقط به منتخبان خلایقش می دهد. به خدا قسم! شما دین من و دین پدرانم ابراهیم و اسماعیل علیهم السلام را دارید و منظورم پدران نزدیکم مثل علی بن الحسین و محمد باقر علیهم السلام نیست، گرچه این ها هم بر دین آنها هستند، منظورم این است که شماها بر دین پدران گذشته ما از پیامبران هستید.

حدیث شماره چهل و دوم

۴۲. و بهذا الاسناد، عن الحسن بن علی، عن علی بن عقبه، عن موسى النمیری، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: أتى رسول الله صلى الله عليه وآله رجل، فقال: يا رسول الله انّی لا حبک. فقال انک لتحبّنی؟ فقال: والله انّی لا حبک. فقال رسول الله صلى الله عليه وآله: أنت مع من أحببت. (۶۸) امام صادق علیه السلام فرمود: مردی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و عرضه داشت: ای رسول خدا! تو را دوست دارم. حضرت فرمود: آیا تو مرا دوست داری؟ عرض کرد: به خدا قسم که هر آینه تو را دوست دارم. فرمود: تو با کسی که دوستش داری، خواهی بود.

حدیث شماره چهل و سوم

۴۳. حدّثنا محمّد بن علی بن ماجیلویه رحمه الله، قال: حدّثنا محمّد بن یحیی [باسناده یرفعه] عن حنظلّه، عن میسر قال: سمعت أبا الحسن الرضا عليه السلام يقول: لا- یری منکم فی النار إثنان، لا والله و لا واحد. قال: فقلت: أين ذلك من کتاب الله؟ فأمسک عنّی سنة قال: فانّی معه ذات یوم فی الطواف اذ قال: لی یا میسر الیوم أذن لی فی جوابک عن مسألتک کذا. قال: قلت: فأین هو من القرآن؟ فقال: فی سورة «الرحمن» و هو قول الله عزّوجلّ: «فَیَوْمَئِذٍ لَّا یَسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ - منکم - إنسٌ و لا جانٌّ» (۶۹) فقلت له: لیس فیها «منکم»! قال: إنّ أوّل من قد غیرها ابن أروى و ذلك أنّها حجّیه علیه و علی أصحابه. و لو لم یکن فیها «منکم» لسقط عقاب الله عزّوجلّ عن خلقه. اذا لم یسأل عن ذنبه انس و لا- جانّ فلمن یعاقب الله اذا یوم القیامه؟! (۷۰) میسر گفت: از حضرت امام رضا علیه السلام شنیدم که فرمود: از شما، دو نفر هم در آتش دیده نمی شود. نه، به خدا قسم! یک نفر هم دیده نمی شود. عرض کردم: این موضوع از کجای کتاب خدا است؟ به من پاسخ نداد تا اینکه روزی با او در طواف بودم. فرمود: ای میسر! اکنون پاسخ خویشتن را بشنو. عرض کردم: در کجای کتاب خدا است؟ فرمود: در سوره الرحمن. «فَیَوْمَئِذٍ لَّا یَسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إنسٌ و لا جانٌّ»؛ «پس در آن روز بر گناه آدمیان و جنیان پرسش نخواهد شد.» عرض کردم: در آیه لفظ «منکم» نیست! فرمود: اوّل کسی که او را تغییر داد، ابن اروی بود و آن برهانی بر ضد او و یارانش می باشد و اگر در آیه «منکم» نبود، عذاب خدا از آفریدگانش برداشته می شد. اگر از گناه تمام آدمیان و جنیان باز خواست نکند، پس خداوند در روز رستاخیز چه کسی را کیفر کند؟

حدیث شماره چهل و چهارم

۴۴. حدّثنا محمّد بن الحسن بن الولید رحمه الله، قال: حدّثنا محمّد بن الحسن الصّفّار [باسناده عن العباس بن یزید، قال: قلت لأبی عبد الله عليه السلام ذات یوم: جعلت فداک، قول الله عزّوجلّ: «و اذا رأیت ثم رأیت نعیماً و ملکاً کبیراً»؟ (۷۱) قال: فقال لی: اذا أدخل

اللّٰهُ أَهْلَ الْجَنَّةِ الْجَنَّةُ، أرسل رسولاً الى ولي من أوليائه فيجد الحجة على بابه، فيقولون له: قف حتى نستأذن لك. فما يصل اليه رسول اللّٰهُ الآبِاذن و هو قوله: «وَإِذَا رَأَيْتَ تَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمُلْكًا كَبِيرًا». (۷۲) عباس بن يزيد گفت: روزی به امام صادق علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم! این فرموده خداوند «وَإِذَا رَأَيْتَ تَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمُلْكًا كَبِيرًا»؛ «و چون بنگری، آنجا را کشوری پُر نعمت و بزرگ می‌بینی.» را تفسیر کن. فرمود: هنگامی که خداوند بهشتیان را وارد کند، رسولی را نزد دوستی از دوستانش می‌فرستد، نگهبانانی آنجا هستند که به آن رسول می‌گویند: بیرون بایست، تا برایت اجازه بگیریم. فرستاده خدا، جز با اجازه او وارد نخواهد شد و این است فرمایش خدای بزرگ: «وَإِذَا رَأَيْتَ تَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمُلْكًا كَبِيرًا» (۷۳)

حدیث شماره چهل و پنجم

۴۵. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْعِيصِ، رَفَعَهُ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ نَشَفَعَ فِي الْمَذْنِبِينَ مِنْ شِيعَتِنَا، فَأَمَّا الْمُحْسِنُونَ فَقَدْ نَجَّاهُمُ اللَّهُ. (۷۴) امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که روز قیامت فرا رسد، گناهکاران و شیعیان را شفاعت می‌کنیم ولی نیکوکاران را خداوند نجات می‌دهد.

پی نوشتها

۱) عنه البحار: ۷/۲۲۱ ح ۱۳۳ و ج ۳۹/۲۷۷ ح ۵۵ و ص ۲۷۸ و ج ۶۸/۱۲۶ بشاره المصطفی: ۴۳، عنه البحار: ۶۸/۱۲۴ ح ۵۳. ۲) ظاهراً سوال اعتراض گونه بوده است. ۳) أمالی الصدوق: ۷، الخصال: ۲/۳۶۰ ح ۴۹، عنهما البحار: ۲۷/۱۵۸ ح ۳. ۴) عنه البحار: ۸/۶۹ ح ۱۶ و ج ۲۷/۱۵۸ ح ۵. ۵) عنه البحار: ۸/۶۹ ح ۱۷ و ج ۱۷/۱۵۸ ح ۶ و ج ۳۹/۳۰۵ ح ۱۱۹. ۱۱۹. أمالی الصدوق: ۳۴۸. ۶) علل الشرائع: ۱/۱۴۴ ح ۱۱، عنه البحار: ۲۷/۸۹ ح ۴۰ و ص ۷۶ ح ۷ و عن الامالی: ۴۶۷ ح ۲۷. ۷) أخرجه في البحار: ۷/۲۵۸ ح ۱ عن أمالی الصدوق: ۴۲ ح ۹ و الخصال: ۱/۲۵۳ ح ۱۲۵ و ج ۷۱/۱۸۰ ح ۳۳ عن الامالی. مناقب ابن شهر آشوب: ۲/۴، عنه البحار: ۲۷/۳۱۱ ح ۱، تحف العقول: ۵۶ ح ۱۶۳، عنه البحار: ۷۷/۱۶۰ ح ۱۶۲. ۸) سوره ص: ۷۵. ۹) عنه البحار: ۱۱/۱۴۲ ح ۹ و ج ۱۵/۲۱ ح ۳۴ و ج ۲۵/۲ ح ۲ و ج ۳۹/۳۰۶ ح ۱۲۱. تأویل الايات: ۱۸۲ ج ۱، عنه البحار: ۲۶/۳۴۶ ح ۱۹. ۱۰) سورة الغاشية: ۳ و ۴. ۱۱) البحار: ۶۸/۶۵ ح ۱۱۸ عن صفات الشيعة و الصحيح عن فضائل الشيعة. الكافي: ۸/۲۱۳ ح ۲۵۹، عنه البحار: ۶۸/۸۰ ح ۱۴۱. تفسیر فوات: ۲۰۸، عنه البحار: ۷/۲۰۳ ح ۹۰. بشاره المصطفی: ۱۶، المستدرک: ۱۱/۲۷۲ ح ۱۶، الوسائل: ۱/۶۶ ذ ح ۱۱، روضة الواعظین: ۳۴۷، مشکاة الانوار: ۹۲، البرهان: ۲/۳۴۷ ح ۳ و ج ۴/۴۵۳ ح ۶، العوالم: ۴۲/۴۳۶ ح ۴. ۱۲) أمالی الطوسی: ۱۱۹، عنه البحار: ۶۸/۲۳ ح ۴۱، أمالی المفید: ۱۶۹ ح ۴، غایة المرام: ۵۸۸ ح ۱، العوالم: ۴۲/۵۳۹ ح ۷ و ص ۵۸۰ ح ۱. ۱۳) عنه البحار: ۲۷/۱۳۶ ح ۱۳۵ و ج ۳۹/۳۰۶ ح ۱۲۱ و ص ۲۵۷ ح ۲۲ عن مناقب ابن شهر آشوب: ۳/۱۲، مقصد الراغب: ۳۱ (مخطوط) العوالم: ۴۲/۱۷۰ ح ۱۴. ۱۴) عنه البحار: ۷/۱۷۸ ح ۱۵ و ج ۶۸/۶۶ ح ۱۲۰ و اثبات الهداة: ۳/۴۴۲ ح ۳۴۵ و العوالم: ۴۱/۹۸ ح ۱. ۱۵) ثواب الاعمال: ۲۴۵ ح ۱، عنه البحار: ۲۵/۱۱۰ ح ۱ و ج ۱۷/۱۹۳ ح ۵۱ عن غيبة النعمانی: ۶۴ و الكافي: ۱/۳۷۶ ح ۴ و ج ۶۸/۱۴۲ ح ۸۸ عن الاختصاص: ۲۵۴، اعلام الدین: ۲۴۷، اثبات الهداة: ۱/۲۳۷ ح ۱۹۳، غایة المرام: ۱۲ ح ۱۱. ۱۶) عنه البحار: ۶۸/۱۴۲ ح ۸۹ و العوالم: ۴۲/۴۷۷ ح ۱. ۱۷) عنه البحار: ۶۸/۱۴۳ ح ۱۷ و العوالم: ۴۱/۱۳۴ ح ۲. ۲۰) سورة الانبياء: ۱۰۱-۱۰۳. ۲۱) عنه البحار: ۳۹/۳۰۶ ح ۱۲۲ و اثبات الهداة: ۳/۴۴۲ ح ۳۴۶ و في البحار: ۶۸/۴۵ ح ۹۱ عن بشاره المصطفی: ۲۲۱. أمالی الصدوق: ۴۵۰ ح ۲ عنه البحار: ۸/۲۸ ح ۳۲. تأویل الايات: ۱/۳۳۱ ح ۱۸. مصباح الانوار: ۱۶۴ و ص ۲۰۱. العوالم: ۴۲/۲۵۸ ح ۱ و ص ۵۰۳ ح ۳ و ص ۵۹۴ ح ۳. ۲۲) سوره شوری: ۵. ۲۳) سورة الدخان: ۴۱ - ۴۲. ۲۴) سورة الزمر، ۵۳. ۲۵) سورة الحجر: ۴۲. ۲۶) سورة النساء: ۶۹. ۲۷) سورة ص: ۶۳-۶۲. ۲۸) عنه البحار: ۷/۱۷۹ ح ۷ (قطعة) و عنه البحار: ۶۸/۵۲ ح ۹۳ و عن

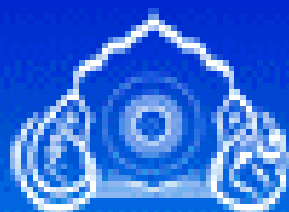
الکافی: ۸/۳۳ ح ۶ و الاختصاص: ۱۰۱. تأویل الایات: ۲/۵۰۷ ح ۸ و ۹ (قطعه)، عنه البحار: ۲۴/۲۵۹ ح ۹. و أخرجه فی البحار: ۴۷/۳۹۰ ح ۱۱۴ عن الاختصاص. ۲۹) سورة المومن: ۷. ۳۰) سورة دخان: ۴۱. ۳۱) سورة زمر: ۵۲. ۳۲) سورة حجر: ۴۲. ۳۳) سورة نساء: ۶۹. ۳۴) سورة ص: ۶۲ - ۶۳. ۳۵) سورة البلد: ۱۱. ۳۶) سورة البلد: ۱۳. ۳۷) عنه البحار: ۶۸/۱۴۳ ح ۹۰. الکافی: ۱/۴۳۰ ح ۸۸. ۳۸) سورة بلد: ۱۱ و ۱۳. ۳۹) سورة بلد: ۱۱. ۴۰) عنه البحار: ۶۸/۱۷۶ ح ۳۲؛ الوسائل: ۴/۱۱۸۴ ح ۱۲؛ العوالم: ۴۲/۶۱۶ ح ۱. ۴۱) بصائر الدرجات: ۸۰ ح ۲، عنه البحار: ۶۷/۷۴ ح ۲ و العوالم: ۴۲/۳۵۹ ح ۲ و ص ۳۷۶ ح ۲. ۴۲) سورة طه: ۸۲. ۴۳) عنه البحار: ۲۷/۱۹۸ ح ۶۴، اثبات الهداة: ۱/۲۳۷ ح ۱۹۴. شواهد التنزیل: ۱/۳۷۵ ح ۵۱۹، البرهان: ۳/۴۰ ح ۱۱، العوالم: ۱۲/۱۴۹ ح ۶۶، احقاق الحق: ۱۴/۵۵۸. ۴۴) عنه البحار: ۵/۳۲۷ ح ۲۳ و ج ۶۸/۶۷ ح ۱۲۱ و اثبات الهداة: ۲/۴۵۳ ح ۳۵۵ و البرهان: ۴/۲۲۲ ح ۲۱، ۴۲/۵۷۴ ح ۱. ۴۵) الکافی: ۳/۱۲۷ ح ۲، عنه البحار: ۶/۱۹۶ ح ۴۹ و ج ۶۱/۴۸ ح ۲۴، تأویل الایات: ۲/۷۹۷ ح ۹، عنه البحار: ۲۴/۹۴ ح ۷، البرهان: ۴/۴۶۰ ح ۲، العوالم: ۳۹/۶۹ ح ۴۲ و ج ۴۲/۴۱۱ ح ۲. ۴۶) عنه البحار: ۷/۱۷۹ ح ۱۸ (قطعه) و ج ۶۸/۶۸ ح ۱۲۲، مشکاة الانوار: ۹۷، البرهان: ۴/۲۹۳ ح ۱۳، العوالم: ۴۱/۱۰۵ ح ۲۸. ۴۷) عنه البحار: ۷/۱۸۰ ح ۱۹ و ج ۶۸/۶۸ ح ۱۲۲ و العوالم: ۴۱/۱۰۱ ح ۱۷ و ج ۴۲/۴۴۶ ح ۳. ۴۸) عنه البحار: ۷/۱۸۰ ح ۲۰ و عنه البحار: ۶۸/۲۷ ح ۵۰ و عن بصائر الدرجات: ۸۴ ح ۵. أعلام الدین: ۲۸۲، العوالم: ۴۲/۴۷۹ ح ۱. ۴۹) سورة آل عمران: ۳۴. ۵۰) عنه البحار: ۲۳/۱۵۴ ملحق ح ۱۱۸. بصائر الدرجات: ۵۳ ح ۱، عنه البحار: ۳۶/۲۴۸ ح ۵۶. أمالی الصدوق: ۹۸ ح ۱۰، عنه البحار: ۳۸/۹۵ ح ۱۲، بشارة المصطفی: ۲۴، اثبات الهداة: ۲/۴۲۱ ح ۲۸۵ و ص ۴۵۶ ح ۳۵۹، العوالم: ۴۸/۳۴۰ ح ۱. ۵۱) عنه البحار: ۶۸/۱۴۳ ذح ۹۰، أعلام الدین: ۲۷۵، العوالم: ۴۲/۵۸۱ ح ۱. ۵۲) سورة القلم: ۴. ۵۳) سورة الحشر: ۷. ۵۴) سورة النساء: ۸۰. ۵۵) سورة المحاسن: ۱/۱۶۲، عنه البحار: ۲/۹۵ ح ۳۷، الکافی: ۱/۲۶۵، عنه البحار: ۱۷/۳ ح ۱، بصائر الدرجات: ۳۸۴ ح ۴ و ص ۳۸۵ ح ۷، عنه البحار: ۲۵/۳۳۴ ح ۱۳ الوسائل: ۱۸/۵۰ ح ۳۲، البرهان: ۴/۳۱۴ ح ۱، العوالم: ۴۹/۱۳۸ ح ۱. ۵۶) الکافی: ۲/۴۳۴ ح ۶. ۵۷) عنه البحار: ۹۳/۳۶۸ ح ۲. ۵۸) عنه البحار: ۶۸/۱۴۴ ذح ۹۰ و العوالم: ۴۲/۴۶۰ ح ۲ و ص ۴۸۴ ح ۱. ۵۹) عنه البحار: ۸/۳۶۰ ح ۲۶ و ج ۶۸/۱۴۴ ذ ح ۹۰ و العوالم: ۴۱/۴۴۰ ح ۲۷ و ج ۴۲/۴۵۷ ح ۲۰. ۶۰) عنه البحار: ۸۶/۱۷ ح ۱۴ و عن أعلام الدین: ۲۷۹ و عدة الداعی: ۵۸. الوسائل: ۴/۱۰۴۰ ح ۴. ۶۱) سورة السجدة: ۱۷. ۶۲) المحاسن: ۱/۱۸۰ ح ۱۷۲، تأویل الایات: ۱۵۸ ح ۱، البحار: ۸/۱۳۸ ح ۵، البرهان: ۳/۲۸۵ ح ۷. ۶۳) عنه البحار: ۷/۱۸۰ ح ۲۱ (قطعه) و ج ۶۸/۶۸ ح ۱۲۴ عن صفات الشيعة. الکافی: ۸/۱۴۶ ح ۱۲۲، تنبیة الخواطر: ۲/۱۴۶، العوالم: ۴۲/۲۰۸ ح ۵ و ص ۴۷۶ ح ۱. ۶۴) بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۱۸۴؛ مستدرک، ج ۱، ص ۱۶۰. ۶۵) عنه البحار: ۸/۳۶۰ ح ۸ و ج ۲۷/۱۳۶ ح ۱۳۶ و فی ج ۶۹/۲۴۶ ح ۲۱ عن الکافی: ۲/۱۲۶ ح ۱۰ (قطعه) و الکافی: ۸/۳۱۵ ح ۴۹۵. الوسائل: ۱۱/۴۳۹ ح ۱، العوالم: ۱۲/۱۳۵ ح ۱۷۲، ج ۴۱/۴۴۰ ح ۲۸ و ج ۴۲/۴۳۹ ح ۱. ۶۶) عنه البحار: ۲۷/۱۹۹ ح ۶۵ و المستدرک: ۱/۲۳ ح ۵۳. ۶۷) أعلام الدین: ۲۷۵، عنه البحار: ۲۷/۱۲۲ ح ۱۰۷ و العوالم: ۴۲/۴۴۰ ح ۲. ۶۸) عنه البحار: ۲۷/۱۳۷ ح ۱۳۷ و العوالم: ۱۲/۱۲۰ ح ۷۲. أعلام الدین: ۲۷۵. ۶۹) سورة الرحمن: ۳۹. ۷۰) عنه البحار: ۷/۲۷۳ ح ۴۵ و ج ۸/۳۶۰ ح ۲۸. تفسیر فرات: ۱۷۷، عنه البحار: ۷۱) سورة الدهر: ۲۰. ۷۲) عنه البحار: ۸/۱۹۷ ح ۱۸۸، معانی الاخبار: ۲۱۰ ح ۱، البرهان: ۴/۴۱۵ ح ۲. ۷۳) سورة انسان، آیه ۲۰. ۷۴) عنه البحار: ۸/۵۹ ح ۷۷.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر

اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوت های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صداها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازی های رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۴۵۰۵۲۴) ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوت، وب کیوسک، SMS و... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) فکس ۲۲-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاء الله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۱۹۷۳-۳۰۴۵ و شماره حساب شبا: ۵۳-۰۶۰۹-۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۱۹۰ IR به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که

لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی، بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

